

ORIGINAL ARTICLE

Speech Acts of Women in Simin Daneshvar's Soovashoon Novel

ELham Sedaghat¹, Esmail Azar^{*2}

1. Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor of Persian Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Esmail Azar

Email: e-azar@srbiau.ac.ir

Received: 30/Jul/2021

Accepted: 02/Jan/2024

How to cite:

Sedaghat, E.; Azar, E (2024). Speech Acts of Women in Simin Daneshvar's Soovashoon Novel, 7 (28), 53-72.

(DOI: [10.30473/il.2025.60186.1473](https://doi.org/10.30473/il.2025.60186.1473))

ABSTRACT

Speech acts as the pragmatic part of the language have significant role in the social status representation of society people. So, investigating speech acts of the novel characters can enhance pragmatic and sociolinguistic knowledge of the foreign language learners and improve sociocultural knowledge of the foreigners about a speech community. According to the necessity and importance of this issue in Persian learning, and the lack of local social researches in applied linguistics and Teaching Persian to Speakers of Other Languages (TPSOL), through a qualitative content analysis method, the present study investigates speech acts used in Simin Daneshvar's "Soovashoon" Persian novel. The results show that the male and female characters of this novel have used the assertive, directive, and expressive speech acts more than the commissive, and declarative speech acts. Moreover, a comparative analysis of the results shows that Iranian women, in both the urban and rural contexts, follow almost the same pattern in using Searle's (1969) speech acts.

KEYWORDS

Literature, Soovashoon novel, Simin Daneshvar, Sociolinguistics, Speech act, Searle.



Introduction

The “Sociology of language” is considered as the branch of linguistics called “sociolinguistics”. “Sociolinguistics” is the study of language in relation to social factors and consists of “macro-sociolinguistics” and “micro-sociolinguistics”. “Sociology of language” and the “social psychology of language” are considered as being part of macro-sociolinguistics and micro-sociolinguistics includes “speech acts” and “conversation analysis”. Literature as the important part of language and speech acts as the pragmatic part of the language have significant role in the social status representation of society people. Novels are one of the main and effective parts of literature in language learning. So, investigating speech acts of the novel characters can enhance sociolinguistic, pragma-linguistic and socio-pragmatic knowledge of foreign language learners and improve sociocultural knowledge of foreigners about a speech community.

Methodology

According to the necessity and importance of speech acts in Persian learning, and the lack of native social researches in applied linguistics and Teaching Persian to Speakers of Other Languages (TPSOL), through a qualitative content analysis method, the present study investigates speech acts used in Simin Daneshvar’s “Soovashoon” Persian novel.

Discussion

“Pragma-linguistics” is the interface between linguistics and pragmatics and “socio-pragmatics” is the relationship between social factors and pragmatics. A “speech act”, as the main part of pragmatics and sociolinguistics, is a sentence or utterance which has both preposition or locutionary meaning and illocutionary meaning or force and can enhance pragma-linguistic and socio-pragmatic knowledge of foreign language learners. There are many different kinds of speech acts, such as requests, commands, promises, etc. Searle (1969) established a five-part classification of speech acts:

- a. *Commissive*: A Speech act that commits the speaker to doing something in the future, such as a promise.
- b. *Declarative*: A speech act which changes the state of affairs in the world. For example, during the wedding ceremony the act of marriage is performed when the phrase *I now pronounce you man and wife* is uttered.
- c. *Directive*: A speech act that the function of getting the listener to do something, such as a suggestion, a request, or a command.
- d. *Expressive*: A Speech act in which the speaker expresses feelings and attitudes about something, such as an apology, or a complaint.
- e. *Representative/Assertive*: A speech act which describes states or events in the world, such as an assertion, a claim, or a report.

This categorization can make the recognition different kinds of speech acts easier especially for language learners.

Conclusion

The results show that the male and female characters of “Soovashoon” novel have used the assertive, directive, and expressive speech acts more than the commissive, and declarative speech acts. Moreover, a comparative analysis of the results shows that Iranian women, in both the urban and rural contexts, follow almost the same pattern in using Searle’s (1969) speech acts. As mentioned before, literature in general and novels in particular can improve foreign Persian learners’ speech acts knowledge and make them familiar with different kinds of speech acts. So, it is important that Persian language teachers to consider Persian novels as an authentic material to teach Persian to speakers of other languages specially to improve pragmatic knowledge of foreign Persian learners in Iran.

Keywords

Literature, Soovashoon novel, Simin Daneshvar, Sociolinguistics, Speech act, Searle.

«مقاله پژوهشی»

کنش‌های گفتاری زنان رمان سووشون اثر سیمین دانشور

الهام صداقت^۱، اسماعیل آذر^{۲*}

چکیده

کنش‌های گفتاری به عنوان بخش کاربردشناسی زبان در بازنمایی جایگاه اجتماعی افراد یک جامعه نقش به‌سزایی دارند. از این‌رو، بررسی کنش‌های گفتاری شخصیت‌های رمان‌ها می‌تواند دانش کاربردشناسی و زبان‌شناختی اجتماعی یادگیرندگان زبان خارجی و شناخت خارجیان از ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی یک جامعه زبانی را افزایش دهد. مقاله حاضر با توجه به ضرورت و اهمیت این امر در فارسی‌آموزی و فقدان پژوهش‌های بومی جامعه‌شناختی در زبان‌شناسی کاربردی و آموزش زبان فارسی‌زبانان (آزفا)، با روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی کنش‌های گفتاری رمان فارسی «سووشون» اثر سیمین دانشور می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد شخصیت‌های مرد و زن این رمان از کنش‌های گفتاری اظهاری، ترغیبی و عاطفی بیشتر از کنش‌های گفتاری تعهدی و اعلامی استفاده نموده‌اند. همچنین، تحلیل مقایسه‌ای نتایج بیانگر آن است که زنان جامعه ایرانی، هم در بافت شهری و هم در بافت روستایی، در استفاده از کنش‌های گفتاری سرل (۱۹۶۹) تقریباً از الگویی مشابه پیروی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی

ادبیات، رمان سووشون، سیمین دانشور، زبان‌شناسی اجتماعی، کنش گفتاری، سرل.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

اسماعیل آذر

رایانامه: e-azar@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

استناد به این مقاله:

صداقت، الهام؛ آذر، اسماعیل (۱۴۰۳).

کنش‌های گفتاری زنان رمان سووشون اثر

سیمین دانشور، ۷ (۲۸)، ۵۳-۷۲.

(DOI: [10.30473/il.2025.60186.1473](https://doi.org/10.30473/il.2025.60186.1473))



مقدمه

زبان راه ارتباطی یک جامعه زبانی است که هویت کاربران آن را نمایان می‌سازد. نویسندگان آثار ادبی نیز با همین راه ارتباطی با مخاطبان خود ارتباط برقرار می‌کنند و جامعه زبانی خود را به دیگران معرفی می‌نمایند. در واقع، بسیاری از شخصیت‌ها و رویدادهای داستان‌ها نمایانگر افراد و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی یک جامعه هستند. از این‌رو، ادبیات به عنوان بخش مهمی از زبان نقش به‌سزایی را در شناخت جوامع مختلف ایفا می‌نماید. البته «ارتباط ادبیات با جامعه و تاریخ، موضوع جدیدی نیست. ادبیات همواره قلمرو رویدادها و حوادثی بوده است که آن‌ها در بطن خود حامل اعتقادات، ارزش‌ها و رسوم هستند که پیشینه تاریخی ملت و حوادث محسوب می‌شوند.» (محسنی، ۱۳۹۲: ۸۳) و مردم جوامع زبانی مختلف بدون داشتن چنین شناختی درک درستی از مردم و ادبیات یکدیگر نخواهند داشت. این آگاهی فرهنگی-اجتماعی در زبان‌آموزی نیز بسیار اهمیت دارد؛ بنابراین، باید در امر مهمی همچون آموزش و یادگیری زبان دوم مؤلفه‌های فرهنگی موجود در جامعه زبانی دوم را فراموش نکرد و به آن بهای ویژه و بیشتری داد تا شاید بتوان ابهامات و مشکلات موجود در تولید و درک کاربردشناسی زبان‌آموزان را کاهش داد (صدقت، ۱۳۹۲: ۳)؛ زیرا زبان و فرهنگ به هم آمیخته‌اند و «ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی افراد و جوامع را می‌توان از راه زبان تشخیص داد.» (ملکی سروسستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲). در واقع «زبان تجلی‌گاه فرهنگ مردم یک جامعه است و بررسی آن می‌تواند زوایای پنهان فرهنگ جامعه را نمایان کند.» (همان: ۶۱) به‌ویژه برای افراد دیگر فرهنگ‌ها و جوامع زبانی. علاوه بر این، ملت‌ها و افراد جوامع زبانی گوناگون از طریق آثار ادبی می‌توانند از تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی-زبانی هم‌دیگر آگاهی یابند.

جامعه‌شناسی رمان به عنوان بخشی از جامعه‌شناسی ادبی و جامعه‌شناسی ادبی به عنوان بخشی از جامعه‌شناسی زبان رهنمودی در جهت تبیین قواعد و الگوهای اجتماعی حاکم بر زبان به‌ویژه در امر زبان‌آموزی است. دانش جامعه‌شناختی حاصل از این آگاهی ادبی-زبانی در دو گروه جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی اجتماعی جای می‌گیرد. دانش «زبان‌شناختی اجتماعی»^۱ نیز به دو بخش زبان‌شناسی اجتماعی خرد و کلان

تقسیم می‌شود. «کنش‌های گفتاری (کارگفت‌های)»^۲ زبان بخشی از «زبان‌شناسی اجتماعی خرد»^۳ و «جامعه‌شناسی زبان»^۴ بخشی از «زبان‌شناسی اجتماعی کلان»^۵ است. در این میان دانش زبان‌شناختی اجتماعی ادبیات به تبیین بعد جامعه‌شناختی زبان آثار ادبی می‌پردازد. آن بخش کاربردی این دانش شناخت اجتماعی زبان یعنی دانش «کاربردشناسی»^۶ نیز در دو دسته «کاربردشناسی زبانی»^۷ و «کاربردشناسی اجتماعی»^۸ قرار می‌گیرد. با دانش کاربردشناسی می‌توان تشخیص داد که کدام کنش گفتاری (دانش کاربردشناسی زبانی) با کدام بافت اجتماعی (دانش کاربردشناسی اجتماعی) تناسب دارد. بنابراین دانش کاربردشناختی برگرفته از کنش‌های گفتاری موجود در آثار ادبی به عنوان بخشی از دانش زبان‌شناسی اجتماعی یکی از راه‌های شناخت جایگاه اجتماعی افراد جامعه از طریق شخصیت‌های این آثار در اجتماع (جامعه فرضی آثار برگرفته از جامعه حقیقی) است. زیرا ادبیات راه ارتباطی نویسندگان با مخاطبان‌شان است؛ مخاطبانی که از یک جامعه زبانی با ویژگی‌های مشترک هستند. بنابراین بررسی آثار ادبی یک جامعه بسیاری از ویژگی‌های جامعه و افراد آن را نمایان سازد. برای مثال، کنش‌های گفتاری شخصیت‌های رمان‌ها -در کنش‌های ارتباطی در رویدادهای زبانی گوناگون داستان- می‌تواند بیانگر بسیاری از ویژگی‌های جامعه و جایگاه اجتماعی آن‌گونه شخصیت‌ها در جامعه بیرونی و واقعی باشد. جایگاه اجتماعی زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه را نیز از زبان خود شخصیت‌های زن داستان‌ها و از همین کنش‌های گفتاری می‌توان تشخیص داد. در نتیجه، نقش مهم زبان‌شناختی اجتماعی در بازنمایی جایگاه اجتماعی زن ایرانی با توجه به آثار ادبی را نباید نادیده گرفت. زیرا «یکی از مباحث انتقادی در حوزه تحلیل گفتمان بحث چگونگی بازنمایی زنان در حیطه ادبیات است.» (واحدی و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۲۰۹)، که این پژوهش از طریق بررسی کنش‌های گفتاری رمان سووشون اثر سیمین دانشور به آن می‌پردازد؛ موضوعی که برای آشنا ساختن غیر فارسی‌زبانان و خارجی‌ان با موقعیت زنان فارسی‌زبان و ایرانی به‌ویژه جایگاه اجتماعی آنان جهت افزایش دانش زبان‌شناختی اجتماعی و آگاهی کاربردشناختی، و از همه

2. speech acts
3. micro-sociolinguistics
4. sociology of language
5. macro-sociolinguistics
6. pragmatics
7. pragmalinguistics
8. sociopragmatics

1. sociolinguistics

۲۰). یکی از راه‌های تشخیص هنجارها و کنش‌های گفتاری صحیح جوامع زبانی آشنایی با کلام شخصیت‌های داستانی آثار ادبی آن جوامع است. برای مثال، با بررسی کنش‌های گفتاری «رمان سووشون» اثر «سیمین دانشور» می‌توان کاربرد این کنش‌ها را در تشخیص جایگاه اجتماعی زنان در جامعه شهری ایران بهتر متوجه شد و با مقایسه آن‌ها با موارد مشابه در داستان‌های بافت روستایی به تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها و به واقعیت جایگاه اجتماعی زنان ایرانی پی برد. زیرا «سووشون» از آن‌جا که آینه‌دار راستین جامعه است «(قبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۸)» چه در زمان نگارش و چه در روزگار ما که چند دهه از انتشار آن می‌گذرد، از برجسته‌ترین رمان‌هایی است که می‌توان جهان درونی و نگاه ویژه زن ایرانی را در آن جست‌وجو کرد.» (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۸) و در واقع، مطابقت شخصیت‌های ملموس این گونه داستان‌ها با جامعه واقعی بیرون از آن است که آن‌ها را پرمخاطب ساخته است. چرا که «اگر دانشور به عنوان اولین زن داستان‌نویس فارسی‌زبان شناخته شده است، زنان داستان‌های او نیز اولین نسل زنان زنده، ملموس و حقیقی داستان فارسی هستند.» (همان: ۹). از طرفی ظرافت و زنانگی روایت، داستان را از جنبه نمادین باورپذیرتر و از بعد حماسی پرشورتر و بر مخاطب تأثیرگذارتر ساخته است و با آن که «اکنون سرعت تغییرات چندان فزونی گرفته که گویی همه چیز در حال نو شدن است اما واقعیت این است که به‌صورتی رازآمیز و مبهم فقط صورت‌هاست که تغییر یافته و بطن وقایع دگرگون نشده است.» (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). زیرا به عقیده خود دانشور نیز «زندگی تکرار می‌شود.» (قبادی، ۱۳۸۳: ۴۹)، تاریخ تکرار می‌شود و «شرح اکنون در یک بستر تاریخی، قابلیت درک شرایط فعلی را فراهم می‌آورد و ادبیات با روایت‌های گوناگون این هدف را ممکن می‌سازد.» (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۳). در نتیجه، درک رمان‌های (رنال) واقع‌گرایی همچون سووشون و آشنایی با شخصیت‌ها و حوادث داستان‌ها و شناخت نویسندگان واقع‌نگر و حقیقت‌نگار آن‌ها، ما (ایرانیان) و دیگران (خارجیان) را از ایران و جهان امروز، ملت‌های تاریخ‌ساز و تاریخ تکرار‌ساز آگاه می‌سازد.

سیمین دانشور و رمان سووشون

سیمین دانشور در سال ۱۳۰۰ در شیراز متولد شد و در سال ۱۳۹۰ در تهران چشم از جهان فرو بست. دانشور اولین زن

مهم‌تر برای تقویت توانش فرهنگی-اجتماعی و ارتباطی یادگیرندگان خارجی زبان فارسی از طریق آثار ادبی به آن توجهی نشده است. در ادامه به دلایل انتخاب این نویسنده زن (سیمین دانشور) و این اثر (رمان سووشون) از وی جهت بررسی کنش‌های گفتاری یا کلامی (کارگفت‌های زبانی) اشاره و به این سؤال‌ها پاسخ داده می‌شود:

۱. «کنش‌های گفتاری "رمان سووشون" اثر سیمین دانشور چگونه جایگاه اجتماعی زنان ایرانی را نمایان می‌سازند؟»
۲. «نقش کنش‌های گفتاری "رمان سووشون" در بازنمایی اجتماعی و آگاهی‌بخشی کاربردی، دانش‌افزایی زبانی-اجتماعی و شناخت خارجیان از جامعه به‌ویژه زنان جامعه ایرانی چیست؟»
۳. «چه تفاوتی میان کنش‌های گفتاری زنان ایرانی "روستایی" و "شهری" آثار ادبی فارسی وجود دارد؟»

آثار ادبی، رمان سووشون و کنش‌های گفتاری

کنش‌های گفتاری علاوه بر ارتباط‌های شفاهی و نوشتاری، در آثار ادبی به‌ویژه رمان‌ها نیز کاربرد فراوانی دارند. این کنش‌ها طبق نظریه سارل^۱ (۱۹۶۹) به «اظهاری»^۲، «ترغیبی»^۳، «عاطفی»^۴، «اعلامی»^۵ و «تعهدی»^۶ تقسیم می‌شوند و بسیاری از ویژگی‌های فردی و اجتماعی افراد را از نوع کنشی که در گفتار استفاده می‌نمایند می‌توان تشخیص داد. اما ایفای کنش‌های گفتاری هم دانش زبانی-اجتماعی و هم دانش فرهنگی-اجتماعی را می‌طلبد. بنابراین مطالعه کنش‌های گفتاری می‌تواند نقش مهمی در شناسایی هنجارهای اجتماعی-فرهنگی و باورهای داشته باشد که تحقق کنش گفتاری را در جامعه گفتاری یک زبان تعیین می‌کند. زیرا مقایسه کنش‌های گفتاری در زبان‌های مختلف نشان می‌دهد که یک کنش گفتاری با توجه به هنجارهای مشخص رایج یک جامعه زبانی، در فرهنگ‌های مختلف به گونه‌های مختلفی نمود پیدا می‌کند. از این‌رو مبرهن است که یادگیرندگان زبان دوم باید از ارزش‌ها، محدودیت‌ها و قیود فرهنگی-اجتماعی موجود در کنش‌های گفتاری جامعه زبان دوم (مقصد) آگاهی داشته باشند تا از نظر کاربردشناسی توانا گردند و کفایت لازم را به‌دست آورند (صداقت، ۱۳۹۲: ۱۹-).

1. Searle
2. representative/assertive
3. directive
4. expressive
5. declarative
6. commissive

رمان‌نویس ایران است که علی‌رغم نگارش چندین داستان کوتاه و رمان اغلب وی را با رمان سووشون می‌شناسند. رمانی پرفروش با نثری ساده که از سال ۱۳۴۸ (چاپ اول آن) تا به امروز با شمارگانی بالا تجدید چاپ و حداقل به بیست زبان ترجمه شده است. در واقع، «سووشون به قلم یک زن روایت می‌شود و زاویه دید آن راوی سوم شخصی است که بر نگاه و رفتار و پندار زری متمرکز است. قهرمان داستان آن هم یک زن است» (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۱۲) و «شاید تا اندازه زیادی بتوان کلیت روایت را در همین سلوک قهرمان زن از حصار چشم‌اندازی محدود به خانه و خانواده تا یافتن بصیرتی اجتماعی خلاصه کرد.» (همان: ۱۷).

رمان سووشون - که سرشار از مؤلفه‌های ایرانی و مذهبی است - داستان زندگی زنی (زهرا خانم/ زری) را در دهه بیست شمسی روایت می‌کند که همسرش (یوسف) ایستادگی در مقابل استعمار و دفاع از حقوق رعیت را بر منافع خود ترجیح می‌دهد. در مسیر داستان، ابوالقاسم خان (خان کاکا) برادر یوسف، آن‌ها (زری و یوسف) و خواهرش فاطمه‌خانم (قدس السلطنه) که مدافع این زن و شوهر است را سرزنش و در شرایط قحطی یوسف را وادار به فروش آذوقه به بیگانه می‌کند تا منافع (وکیل شدن) خودش به خطر نیفتد. اما یوسف تا دم مرگ مقاومت می‌کند و حقوق رعیت را پایمال نمی‌نماید. اما در تناقضی آشکار، برادر یوسف - خان کاکا یا ابوالقاسم خان - به‌ظاهر دلسوز خانواده و جامعه - سکوت در مقابل ظلم را به دفاع از حق ترجیح می‌دهد و دیگران را هم به مدارا و همراهی با ظالمان و بیگانگان تشویق می‌نماید. افرادی نیز خواسته و ناخواسته آب را گل‌آلود می‌کنند تا منفعت‌طلبان خودی و بیگانه شاه‌ماهی خود را صید نمایند. زنجیره استثمار از خانواده تا اجنبی‌ها ادامه دارد. هر که بخواهد چه در درون و چه در بیرون از خانواده این زنجیره را قطع نماید، با شیوه‌های مختلف (انتقاد، تهدید، تطمیع و مرگ) او را ساکت می‌کنند. فضای ارباب و رعیتی رمان بیانگر این است که هر اربابی، رعیت اربابی قدرتمندتر و بزرگ‌تر است و رعیت باید از ارباب بترسد و حساب ببرد تا منافع ارباب خود را تأمین و بقای وی را تضمین نماید. در نتیجه برای حفظ این سلطه، ارباب رعیت‌دوست را باید حذف نمود تا نظام ارباب-رعیتی زیر سؤال نرود.

داستان سووشون در فضایی مردسالار، نشان از اربابی مردان بر رعایا (زنان) دارد. در چنین جامعه مردسالاری که بیگانگان بر مردم، و مردان بر زنان، سالاری می‌کنند و حتی

بعضی زنان، هم به خود و هم به زنان دیگر ظلم می‌نمایند، توقع آرامش و پیشرفت نمی‌توان داشت. اما «آن‌چه به کالبد نیمه‌جان زن در فضای چنین جامعه مردسالارانه‌ای جان دوباره می‌بخشد، پرننگ نمودن نقش اجتماعی زنان در آثار سیمین دانشور است» (واحدی و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۲۱۵). از این رو می‌توان گفت، «یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های راوی در سووشون، تعامل با سنت است.» (قبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۸). «در سووشون، اینجا و آنجا، از نفوذ سنت‌های اجتماعی سخن می‌رود که زنان را محصور کرده است. البته خود زنان در پایداری و روایی آن مساهمت دارند.» (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۲۵). در نتیجه نویسنده از جامعه زنان می‌خواهد همچون «موجودی کاملاً منسلخ از جامعه و جهان که مجبور است در حصار تکرار و بیهودگی عمر تباه کند» نباشند (همان). بدین‌سان از نگاه دانشور مرکزی‌ترین دغدغه زن باید کسب بصیرت باشد و بس. زن باید بتواند پیرامونش را بنگرد و به‌دقت دریابد در کجای جامعه و جهان ایستاده است. در حقیقت نقطه آغازین اینجاست که زنان بتوانند به‌شکلی خودآگاه به کاروبار و موقعیت خویش بنگرند با نگاهی فراتر از خود و مناسبات خانوادگی، نگاهی اجتماعی (همان: ۲۴)، و در جاهایی که قهرمان زن داستان «زری به آستانه خودآگاهی نسبت به وضعیت خویش می‌رسد. این می‌تواند نمادی از موقعیت زن ایرانی در سیر تکامل اجتماعی خویش باشد.» (همان: ۲۵) که «به یاری راوی، به ذهن زری وارد می‌شویم و به مهم‌ترین مسائل مربوط به تحول جایگاه اجتماعی زنان متوجه می‌شویم» (همان: ۲۶).

علاوه بر این، «جدا از آن که سووشون توسط نویسنده‌ای زن، قلمی شده است و قهرمان اصلی آن یک زن است، از زنان بسیار دیگر و رنج‌هایشان سخن می‌گوید و به‌طور کلی جایگاه زن ایرانی را در جامعه توصیف و نقد می‌کند.» (همان: ۸). در جای جای داستان ظلم جامعه مردسالار به حتی زنان تحصیلکرده، مرفه و ثروتمند مشهود است. احساس ستم‌دگی از خیانت و ظلمی که از سوی مردان به‌ظاهر دیندار و یا دیگر مردان به آنان شده را از زبان شخصیت‌های زن و از روایت‌های زنانه از روزگار خود یا اطرافیانشان می‌توان متوجه شد. (برای مثال، روزگار بی‌بی، مادر یوسف از زبان فاطمه خانم (خواهر یوسف)، از ظلمی که پدرش مجتهد جامع‌الشرایط با خیانت بر مادرش روا داشته تا خیانت‌های شوهر و پسر عزت‌الدوله و حتی زری که حق انتقاد از شوهر حق‌خواه و عدالت‌طلب خود را ندارد و ...).

هر چند «دانشور در پی دنیای ایده‌آل است.» (قبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۹)، دنیایی برابر، پر از عدالت، صلح، دوستی و آرامش. اما برای داشتن چنین دنیایی از خودگذشتگی لازم است. بالأخره «یک نفر باید کاری بکند» (دانشور، ۱۳۴۸: ۲۲۳). «به قول یوسف نباید [سرزمینی] یک شهری، خالی خالی از مرد باشد.» (همان: ۱۸ و ۳۰۲). «بگذارید لااقل یک نفر جلو آن‌ها [زورگویان] بایستد تا توی دلشان بگویند: خوب آخرش یک مرد هم دیدیم.» (همان: ۱۶)؛ زیرا «اگر لااقل هزار نفر مثل یوسف حرف بزنند، همه حساب کار خودشان را می‌کنند. مردها باید بایستند و اگر مردها رفته بودند ... زن‌هایشان. وقتی عده زیادی زنش داشتند و سرشان به تشنه‌شان آرزید، عاقبت موقعش [موقع احقاق حق] می‌رسد.» (همان: ۶۱)؛ اما اگر مانند فتوحی‌های روشن‌فکران رمان سووشون بگوییم «به قدرت که رسیدیم احقاق حق می‌کنیم.» (همان: ۲۱۵)، هیچ‌وقت موقعش نمی‌رسد. زیرا احقاق حق بیش از قدرت، اراده می‌خواهد. اراده‌ای که دکتر عبدالله‌خان نیز در پایان داستان به آن اشاره می‌کند (همان: ۲۸۵). چرا که اگر اراده داشته باشیم مانند یوسف اربابی می‌شویم که اربابی ندارد؛ «مثل یک سرو آزاد» (همان: ۲۴۴) با «حکایت پهلوانی» (همان: ۲۸۵ و ۲۸۶):

خان کاکا خطاب به یوسف: «راوی می‌گفت گفته‌ای نوکری از من بر نمی‌آید، نه نوکری فردی و نه نوکری دسته جمعی.» (همان: ۱۲۴).

در نهایت، نظر و خواسته نویسنده-راوی ریزبین و جامع‌نگر سووشون این است که قدر وقت از نشناسد دل و کاری نکند/ بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم؛ بنابراین: «همه کارهایی را که می‌خواهید بکنید همین امروز بکنید ... اگر حالا نکنید دیگر هیچ‌وقت فرصت نیست.» (همان: ۲۹۱) (کاری کنیم ورنه خجالت برآوریم/ روزی که رخت جان به جهان دگر کشیم (همان: ۲۸۶)).

روش و هدف پژوهش

پژوهش‌های زیادی آثار سیمین دانشور از جمله رمان درخشان و پرمخاطب «سووشون» را بررسی نموده‌اند. «بررسی‌ها نشان می‌دهد همه پژوهشگران اتفاق نظر دارند که آثار دانشور بازتابی از وضعیت زن در جامعه ایرانی است و یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌ها در آثار او مسائل زن و زنان بوده است.» (میرزائیان و باقری، ۱۳۹۳: ۸۴)؛ به همین دلیل، این

با توجه به مواردی که ذکر گردید، راز موفقیت این آفرینش ممتاز و متمایز هنری (رمان سووشون) را باید در عمومیت و فراگیر بودن موضوع، سادگی و روانی رمان و دید زیبایی‌شناختی، هنرمندی و خلاقیت شخصیت نویسنده-راوی داستان جست؛ «سیمین»ی که هم «دانشور» است و هم دانش‌آرا، و هنر «زری»‌نش را باید در «مهارت و استادی تمام او در قهرمان کردن و شخصیت اول به زن دادن در داستان» (قبادی، ۱۳۸۳: ۴۷) نگارین و «زری» ساخت وی دانست. در واقع، راوی درون داستان (زری) سیمین دانشور بیرون از داستان است که با آشنایی با فضا و زیبایی‌های هنر، و تجربه‌هایش از شخصیت‌های واقعی، داستان را بسیار خلاقانه و هنرمندانه از دید خود (راوی زن داستان) روایت کرده و آن را برای مخاطب تجربه‌پذیر و خواننده را با ماجراها همراه نموده است. در نتیجه، شخصیت‌پردازی‌های واقع‌گرایانه سیمین دانشور در رمان سووشون را می‌توان علت اصلی ارتباط‌گیری خواننده و بعضاً هم‌ذات‌پنداری‌های مخاطب با بعضی از شخصیت‌های این داستان دانست.

علاوه بر این، قلم‌پردازی‌ها و نگارش قدرتمندانه و هنرمندانه رمان سووشون نشان می‌دهد دانشور نویسنده‌ای درآشنا و منتقدی عمل‌گراست که فن نویسنده‌گی را ماهرانه در حوزه انتقادی-اجتماعی به کار گرفته است و به همان اندازه که به بازنمایی جایگاه اجتماعی زنان از طریق زبان داستانی اهتمام داشته، به تغییر و ارتقای این جایگاه از طریق قلم خود نیز امید داشته است. یعنی قلم نه تنها زبان جامعه، که خود تغییر دهنده اوضاع اجتماعی نیز می‌تواند باشد (قلم در خدمت جامعه). دانشور این کار خطیر را در زمانی که بسیاری از مردان جرأت چنین کاری را نداشتند و مردانی دیگر نیز با قلمی لرزان می‌نگاشتند، ابتدا از خود شروع نمود و قلم را در دست گرفت و پرچم‌دار زنان نویسنده شد تا نه تنها زنان، شاید مردان نیز جرأت یابند و پشت سر او حرکت نمایند و قدرتمندتر قلم زنند تا نه تنها جایگاه اجتماعی زنان، بلکه مسائل انسانی و جامعه و اوضاع بشریت و جهان روز را نیز نقد کنند. سلاخی را که در پایان داستان، زری -به خون‌خواهی یوسف که به ناحق و با تیر دشمنی کشته شده است- می‌خواهد به دست خسرو پسرش بدهد در واقع، خواسته نویسنده از دیگر نویسندگان و نمادی از قلمی است که نویسنده زن به دست مردان نویسنده می‌دهد به این امید که پرچم حق و عدالت‌خواهی را برافراشته نگه‌دارند و راهی را که دانشور(زری)ها و آل‌احمد(یوسف)ها شروع کرده‌اند ادامه دهند.

برجسته‌ترین رمان‌هایی است که می‌توان جهان درونی و نگاه ویژه زن ایرانی را در آن جست‌وجو کرد. سرپای روایت آکنده از مسائل اجتماعی و دغدغه‌های سیاسی است که از طریق آن در واقع دانشور خواسته است از نگاه یک زن به جامعه بنگرد و ذهنیت و اندیشه‌های او را در مواضع مختلف به نمایش بگذارد و در مقابل دید مردانه‌ای که در سنت ادبیات فارسی بسیار چشمگیر است، دیدی زنانه به جهان داشته باشد و با آگاه ساختن زنان از پدیده‌های باید و نبایدهایی که در آن محبوس هستند، آنان را به خودیابی و هویت‌یابی تشویق نماید.

- قبادی (۱۳۸۳) نیز با «تحلیل درون‌نمایه‌های سووشون از نظر مکتب‌های ادبی و گفتارهای اجتماعی» به این نتیجه می‌رسد که راز اقبال عمومی خوانندگان نسبت به آثار دانشور در این است که او با اتکا بر توانایی ممتاز ادبی، دانش زیبایی‌شناسی، فراست در اندیشه‌ورزی و صداقت در آفرینش ادبی، آثاری ممتاز آفریده و در کنار درگیری با چالش‌های اجتماعی و سیاسی، در بیان حقایق صداقت تمام داشته و توانسته است ادبیات داستانی معاصر را با جنبه‌های بومی آشتی دهد.

علاوه بر پژوهش‌های یاد شده، پرداختن به کنش‌های گفتاری آثار ادبی نیز در بعضی از پژوهش‌ها مشاهده می‌شود و «از آن به عنوان سازوکاری قابل انعطاف برای تحلیل متن از جمله فهم و پردازش متن و تحلیل شخصیت در ادبیات یاد می‌شود» (عموزاده و رمضان‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۷)؛ از جمله در پژوهش‌هایی مانند:

- عبداللهیان و باقری (۱۳۹۶) به «کنش‌های گفتاری پنج‌گانه در شعر "صدای پای آب سپهری"» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که سپهری از طریق کنش‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی گذشته و حال جهان را نقد و مخاطب را به سبک خاصی از زندگی ترغیب می‌کند و به دلیل ویژگی‌ها و کاربردهای خاص کنش‌های اعلامی و تعهدی نتوانسته است از آن‌ها در این شعر استفاده کند.

- همچنین، جلالی و صادقی (۱۳۹۵) به بررسی «کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در گرشاسب‌نامه» می‌پردازند، با این احتمال که جنسیت‌های متفاوت، کنش‌های گفتاری خاص خود را دارند و تحلیل کنش‌های گفتاری هر جنسیت می‌تواند مرتبط با جایگاه و قدرت اجتماعی آن گروه در این متن ادبی-تاریخی باشد و نشان می‌دهند که میان

پژوهش به نقش زبان‌شناختی اجتماعی ادبیات در بازنمایی جایگاه اجتماعی زن ایرانی، با روش تحلیل محتوای کیفی و با بررسی کنش‌های گفتاری (اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی و تعهدی) رمان «سووشون» اثر «سیمین دانشور» با توجه به نظریه سرل (۱۹۶۹) می‌پردازد. هدف از انجام این پژوهش ایجاد پیوند، تعامل و هم‌افزایی دانش در سه حوزه زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی به‌ویژه زبان‌شناسی اجتماعی، و زبان‌شناسی کاربردی (آموزش زبان) جهت درک بهتر رابطه میان زبان، ادبیات، جامعه و زبان‌آموزی است. «چنین پژوهش‌های کاربردی می‌تواند در تدوین و برنامه‌ریزی درسی فارسی‌آموزان خارجی برای آشنا ساختن بیشتر آنان از مؤلفه‌های کاربردشناختی زبان فارسی مؤثر باشد» (صداقت، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

پیشینه پژوهش

«آثار سیمین دانشور در بین نویسندگان معاصر بیشترین میزان پژوهش زن‌محور را به خود اختصاص داده است.» (میرزائیان و باقری، ۱۳۹۳: ۸۴) و «همه پژوهشگران، هم‌داستانند که آثار او بازتابی از وضعیت زن در جامعه ایرانی است و زن و مسائل زنان در آثار او یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌ها بوده است.» (همان: ۸۵). اما از میان پژوهش‌هایی که به بعد جامعه‌شناختی رمان سووشون - که مورد نظر پژوهش حاضر است - پرداخته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- قنبری و دائی‌زاده جلودار (۱۳۹۵) با «تحلیل جامعه‌شناختی آثار سیمین دانشور» عوامل مهمی چون تحولات اجتماعی و انقلاب بیرونی و درونی و ارتباط و تناظر ساختار ادبی و ساختار اجتماعی را بر آفرینش و تحول شخصیت‌های داستان به‌ویژه شخصیت اصلی زن (زری) در رمان سووشون دانشور مؤثر می‌دانند. در واقع «بیشترین موضوع از نظر جامعه‌شناختی در این رمان، ظلم و ستم بر جامعه زنان است. در این اثر تمام شخصیت‌های زن، حتی زری که زنی تحصیلکرده و از خانواده‌ای مرفه است، در ترس و خانه‌نشینی و خرافات گرفتارند.» (قبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

- سرمشقی (۱۳۸۵ و ۱۳۸۸) نیز با رویکردی جامعه‌شناختی و فمینیستی به تحلیل رمان سووشون سیمین دانشور می‌پردازد. به اعتقاد وی سووشون رمانی اجتماعی است که نویسنده در آن کوشیده است تا تعارض نگاه و اندیشه زنانه را با حوادث و اتفاقات اجتماعی نشان دهد و از

ایرانی رمان سووشون بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل (۱۹۶۹) است. زیرا «کنش‌های گفتاری به‌طور کامل بازنمایی اجتماعی بافت و بستر جامعه هستند. یعنی بافت و بستر جامعه در چارچوب این کنش‌های گفتاری سامان می‌یابد [و] بافت گفتار می‌تواند عملکردهای اجتماعی انسان [به‌ویژه زنان] را نشان دهد.» (ملکی سروستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶).

طبق نظریه سرل، کنش‌های گفتاری به «اظهاری» (مانند: بیان، ابراز، اظهار، ادعا، اعتراض، دفاع، نقد، نفی، تأیید، اثبات، استدلال، بحث، معرفی، تصحیح، توصیف، تشریح و تفسیر کردن)، «ترغیبی» (مانند: درخواست، بازخواست، رد درخواست، خواهش، تمنا، تقاضا، اصرار، التماس، الزام، امر، ترغیب، تشویق، تکلیف، توصیه، نصیحت، دعوت و پیشنهاد، وادار یا مجبور کردن)، «عاطفی» (مانند: آرزو، دعا، قدردانی، سپاسگزاری، تحسین، تمجید، تشکر، تعجب، تخیل، تفکر، تأمل، عصبانی، ناراحت، ناامید، رنجیده، خشمگین، خشنود، خوشحال، علاقه‌مند، دوستی، همدردی، قدرشناسی، ناسپاسی، متنفر، متأسف، دلسرد، دلشاد، پشیمان، مردد، حسادت، احساس، اهانت، شکایت، دشمنی، تهدید، تحقیر، نفرین، معذرت یا عذرخواهی کردن، ناسزا و تبریک گفتن)، «اعلامی» (مانند: نام‌گذاری، عقد، فسخ، لغو، منحل، تمديد، تعلیق، تعطیل، بازگشایی، اجرا، اخراج، استخدام و منتصب کردن) و «تعهدی» (مانند: سوگند یا قسم خوردن، تعهد و قول دادن) تقسیم می‌شوند.

برای آشنایی با انواع کنش‌های گفتاری، با توجه به محوریّت و تکیه «رمان سووشون» بر کلام شخصیت اول زن - به نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری زری، قهرمان-راوی زن داستان اشاره می‌شود:

کنش گفتاری اظهاری:

«اگر من سر قضیه سحر دروغی گفتم، به دستور عمومیّت بود. به‌علاوه نمی‌خواهم در یک محیط پر از دعوا و خشونت بار بیایید. می‌خواهم دست کم محیط خانه آرام باشد»
کنش گفتاری ترغیبی:

«کبک‌ها را ببر آشپزخانه، به آشپز بده، پرهایشان را بکند. هوا گرم است. بگو شب بگذارد لای پلو.»
کنش گفتاری عاطفی:

«خدا به داد برسد!» / «خدا عمرتان بدهد.» / «خدا را شکر» / «امیدوارم موفق بشوید» / «صحت آب گرم، عافیت باشد.» / «دست شما درد نکند.»

زنان و مردان در جامعه معرفی شده در گرشاسب‌نامه نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد.

- از نمونه‌های بررسی کنش‌های گفتاری رمان‌های فارسی نیز می‌توان به پژوهش عموزاده و رمضان‌زاده (۱۳۸۵) اشاره نمود که در آن به تحلیل و چگونگی شخصیت‌پردازی رمان «جزیره سرگردانی» اثر سیمین دانشور بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری پرداخته می‌شود.

- علاوه بر این، ملکی سروستانی و همکاران (۱۳۹۷) به «بازنمایی اجتماعی کنش‌های گفتاری زنان رمان‌های هوشنگ مرادی کرمانی» می‌پردازند و نشان می‌دهند که زنان به دلیل نداشتن قدرت در جوامع روستایی، بیشتر از کنش‌های گفتاری ترغیبی استفاده می‌کنند و کنش‌های اظهاری و عاطفی به کار برده شده نیز بیشتر در راستای ترغیب مخاطب هستند تا بدین وسیله به‌گونه غیرمستقیم دیگران (به‌ویژه مردان و شوهران) را برای رسیدن به خواسته‌های خود ترغیب و تشویق کنند. همچنین از کنش‌های اعلامی و تعهدی که نیاز به کنشگری مستقیم فرد دارد، کمتر استفاده شده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت، سیمین دانشور یکی از اولین نویسندگان زن ایرانی است، که در نگاشتن هویت و ذهنیت زنانه سهم به‌سزایی داشته است و همین امر موج شده تا پژوهشگران زیادی به بررسی زن در آثار دانشور بپردازند و با نشان دادن جایگاه زن در آثار وی، جایگاه زن در جامعه کنونی را تحلیل کنند (میرزائیان و باقری، ۱۳۹۳: ۷۲). اما در میان پژوهش‌های انجام شده به کنش‌های گفتاری شخصیت‌ها به‌ویژه زنان رمان سووشون اثر سیمین دانشور توجهی نشده است. با توجه به این‌که نویسنده زن (سیمین دانشور)، داستان را نیز از زبان شخصیت اصلی زن داستان (زری) روایت و دیگر شخصیت‌ها از جمله زنان دیگر را تحت‌الشعاع ذهنیت‌های این شخصیت اصلی و قهرمان زن داستان معرفی می‌کند؛ بررسی کلام زنان داستان به‌ویژه «زری» به عنوان راوی و پردازنده داستان به بازنمایی و سوگیری‌های جامعه ایرانی نسبت به زنان منجر خواهد شد. در این پژوهش به کنش‌های گفتاری (اظهاری، ترغیبی، عاطفی، اعلامی و تعهدی) رمان سووشون با توجه به نظریه سرل (۱۹۶۹) پرداخته می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش، بازنمایی جایگاه اجتماعی زنان

کنش گفتاری تعهدی:

«باسواد که شدی می‌فرستمت ده» / «می‌فرستم گردو
برایت بخرند» / «حالم که خوب شد من هم می‌آیم.»
کنش گفتاری اعلامی:

«اگر به خسرو بروز دادی وامی‌دارم آقا جوابت کند.» /
«بین، اگر پسر خوبی بشوی، از فردا وامی‌دارم، خسروخان به
تو درس بدهد.» / «تا آمدند وامی‌دارم تلفن کنند.»

با تحلیل متون ادبی - و رمان سوشون که مورد پژوهش
حاضر است - بر طبق نظریه کنش‌های گفتاری، گره بسیاری
از مفاهیم پنهان فرهنگی - اجتماعی (زن‌ستیزی، مردسالاری،
خفقان اجتماعی و ...) در بافت آن‌ها که متأثر از بافت
اجتماعی بیرونی هستند گشوده خواهد شد. «زیرا زبان یک
جامعه است که در شکل‌گیری رفتار افراد آن جامعه نقشی
بسزا دارد. به همین دلیل، بافت خود را کنش‌های گفتاری
نشان می‌دهد و این کنش‌های گفتاری ما را قادر می‌سازند تا
بافت و بستر اجتماعی را که داستان در آن شکل گرفته است
دریابیم.» (ملکی سروستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۶) و جامعه
حقیقی را بهتر درک کنیم.

بحث و یافته‌های پژوهش

ادبیات شناسنامه یک ملت است و با بررسی محتویات درونی
آن، شناخت جامعه و سیر تحول حوادث اجتماعی میسر
می‌گردد. رمان بیش از سایر انواع ادبیات، گنجایش نمایش
مسائل اجتماعی و تاریخی را دارد و به همان اندازه در
روشنگری جامعه تأثیرگذار است (محسنی، ۱۳۹۲: ۸۳). علاوه
بر این، «ادبیات و رمان به دلیل حقیقت‌مانندی و توجه به
دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق، نگرش نویسنده را دربردارد؛ زیرا
رمان جدی‌ترین قالب‌ها از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی
و فرهنگی به‌شمار می‌رود» و به عقیده بسیاری از
پژوهشگران، ادبیات داستانی و رمان بازآفرینی واقعیت
هستند. «از این‌رو، در یک نگاه شاید بتوان گفت عنصر
حقیقت‌مانندی بیش از هر عنصر ادبی در حوزه رمان مصداق
دارد.» (قبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

سوشون، مردسالاری و زن ایرانی

«در گذشته هر گاه از زن سخن به میان آمده، او را موجودی
ضعیف و ناتوان معرفی نموده‌اند که احتیاج به حمایت دارد.»
(واحدی و سیدرضایی، ۱۳۹۳: ۲۱۵) و متأسفانه «این طرز
تفکر [که زنان ضعیف‌تر از مردان هستند] پس از قرن‌ها که

زن‌ها پایه‌پای مردها در صحنه اجتماع حضور دارند؛ هنوز هم
جایگاه خاص خود را دارد و به‌صورتی بسیار نهادینه از طریق
زبان [و ادبیات]، نسل به نسل منتقل می‌شود.» (علی‌نژاد،
۱۳۸۴: ۹۸).

بر اساس بسیاری از کلیشه‌های رایج، زنان معمولاً
تسلیم، وابسته، دارای اعتقادات مذهبی قوی، منفعل، دلسوز،
با محبت، حامی و خانواده‌دوست که همواره در پی ایجاد
روابط گرم و محبت‌آمیز می‌باشند معرفی می‌گردند، در
حالی‌که خصوصیات نظیر شجاعت، اعتماد به نفس، فعال و
اجتماعی بودن به مردان نسبت داده می‌شوند. روشن است که
خصوصیات منسوب به مردان، معمولاً مثبتند و نشان از
قدرت فردی و اجتماعی آن‌ها دارد، در حالی‌که زنان با
ویژگی‌های ذکر شده به جایگاهی پایین‌تر از آن‌چه هستند
تنزل یافته‌اند (نک: واحدی و سیدرضایی، ۱۳۹۵). با همه این
اوصاف رفتار دختران و زنان آئینه آبرومندی خانواده آن‌هاست
که نباید لکه یا غباری بر آن بنشیند چه رسد به این‌که
بشکنند؛ اگر طبق این کلیشه‌ها رفتار نشود آنان از خانواده خود
رانده، و خانواده آنان نیز از اطرافیان و جامعه طرد خواهند شد.
همه این‌ها زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که فرد قبل از این‌که
به هویت جنسی خود پی ببرد، جامعه از طریق عرف
فرهنگی - اجتماعی و طبق کلیشه‌ها و طرح‌واره‌های جنسیتی
سنتی به او این هویت را القا و دیکته نماید. بسیاری از این
کلیشه‌ها در شخصیت‌های زن، حتی در قهرمان زن (زری)
رمان سوشون نیز نمود بارزی دارد و از آن‌جا که «سوشون
رمانی اجتماعی است؛ نویسنده در آن کوشیده است تا تعارض
نگاه و اندیشه زنانه را با حوادث و اتفاقات اجتماعی نشان
دهد. سرپای روایت آکنده از مسائل اجتماعی و دغدغه‌های
سیاسی است» (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۱۳). تصویرسازی‌های
ذهنی، جزئیات و به‌ویژه لطایف و ظرایف زیبایی‌های مطرح
شده در داستان نیز نشان از سبک و روایتی زنانه و احساسی
مادرانه دارد.

«در بررسی نقش زن در این رمان، نویسنده محرومیت
زنان را از نظر حقوق فردی و اجتماعی نشان داده است.»
(قبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۱) و «معتقد است مردسالاری
در ذهن و زبان جامعه ایرانی نفوذ کرده است» (همان: ۱۷۹)؛
زیرا «نگاه مردسالارانه به زن در جامعه ما به‌قدری ریشه
دوانده و درونی شده است که حتی زنان نیز به‌سختی
می‌توانند خود را از بند آن برهانند.» (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۱۱).
دانشور نیز «در بحث جنسیت بر تبعیض‌ها و تفاوت‌هایی

بود، جنگ کجا بود؟» (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۹۳). در سووشون با زنان بسیاری آشنا می‌شویم. ما البته بیشتر زری را می‌بینیم که در بخش بلندی از رمان در مجموع زندگی آرام، متعادل و مرفهی دارد، اما بسیاری از این زنان زخم‌خورده مستقیم مردانند؛ مردانی که اخلاق و وفا و عدالت انسانی را به یک‌سو می‌نهند (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۱۵-۱۶)؛ از عزت‌الدوله -زنی فخر فروش و سرخورده از شوهر و پسرش- که داشتن ثروت را بر هر ننگی می‌پذیرد و مدام با دسیسه‌های اطرافیان به‌ویژه زری را به دردسر می‌اندازد (ماجرای‌های گوشواره زمرد، سحر اسب خسرو و ...) و دلسوزی‌هایش نیز عوام‌فریبانه (پس گرفتن گوشواره زمرد از دختر حاکم بعد از مرگ یوسف) و منفعت‌طلبانه (دعوت و پذیرایی برای تطمیع زری در ازای انجام کاری) است تا فاطمه خانم خواهر یوسف که -زنی باسواد است و بعد از مرگ شوهر و پسرش- از بی‌پناهی و درماندگی به مواد مخدر پناه برده است و همچون مادرش (بی‌بی) -که از تحقیرها، خیانت‌ها و ظلم همسرش ضربه خورده است- رفتن به کربلا را تنها راه‌هایی می‌داند. درواقع نویسنده با برجسته نمودن بُعد مذهبی شخصیت‌های زن داستان (نماز خواندن، نذر کردن، زیارت رفتن و ...)، اعتقادات دینی و حتی خرافی را پناه زنان دردمند جامعه و رانده شده از درون و بیرون از خانواده و مرهمی بر آلام آن‌ها می‌داند. از این‌رو، این زنان و به‌ویژه، «زری سووشون نماینده نسلی از زنان است که خود را مطیع و فرمانبر مطلق [مردان] شوهرانشان می‌دانستند» (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۳۱).

جنسیت‌گرایی و فواید بررسی کنش‌های گفتاری آثار ادبی

تفکر جنس‌گرایانه در ادبیات بر گفتار فارسی‌زبانان تأثیر گذاشته و «برخی از این اصطلاحات [جنسیت‌گرا] که در گفتار محاوره به کار می‌روند؛ ریشه در ادبیات زبان فارسی دارند و این خود عمق این نوع تفکرات را نیز نشان می‌دهد.» (علی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۵). البته خالق اثری ادبی نیز مانند دیگران متأثر از جامعه‌ای است که در آن پرورش یافته و این تأثیرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... را در آثار خود نمایان ساخته و الگوپردازی کرده است. در نتیجه، با شناخت زبان و دوران آفریننده اثری ادبی بسیاری از ویژگی‌های جامعه آشکار و شخصیت‌شناسی افراد جامعه زبانی نیز میسر می‌شود. این امر در ادبیات به عنوان بخش

تأکید کرده که نظام مردسالار نسبت به زن روا داشته است.» (قبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸۰)، در واقع «کوشیده است تا چهره زن را همان‌گونه که واقعاً هست توصیف کند.» (سرمشقی، ۱۳۸۸: ۱۰). علاوه بر این، چهره‌نمایی زن ایرانی در این رمان، شیوه‌ها و جلوه‌های گوناگونی دارد. پیش از هر چیز باید در این نکته تأمل کرد که زنان سووشون و مخصوصاً زری سیمایی از وضعیت اجتماعی زنان را می‌نمایند که هرگز در حصار یک محدوده جغرافیایی شیراز یا مقطع موقت تاریخی نمی‌گنجد (همان: ۱۵)، و نمایی از وضعیت زنان در جامعه مردسالار ایرانی است. این «جامعه مردسالار، غایت کمال انسانی زن را در مادری می‌بیند و بس.» (همان: ۲۱) و «تمام مناسبات زن، به‌ویژه پس از ازدواج، مهار و دیگرگون می‌شود.» (همان). زیرا «فرهنگ حاکم بر جامعه، زن را دارای هویت مستقل و تکامل یافته‌ای نمی‌داند.» (واحدی و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۲۱۵).

در این جامعه مردسالار زن ثروتمند، باسواد و فعال نیز احساس انفعالی تلقین شده می‌نماید. زیرا «می‌اندیشد که ترسو یا شجاع، با شیوه زندگی و با تربیتی که او را برای چنین زندگی‌ای آماده ساخته، محال است بتواند دست به کاری بزند که نتیجه‌اش بهم خوردن وضع موجود باشد.» (دانشور، ۱۳۴۸، ۱۹۲-۱۹۳)؛ مردان نیز این قدرت‌نمایی و تابوشکنی او را هنجارگریزی تلقی و تحقیرش می‌کنند و نمی‌گذارند به حق و حقیقت و خودباوری برسد. برای مثال، یوسف و خسرو (همسر و پسر زری)، زری (قهرمان زن داستان سووشون) که زنی تحصیلکرده و فعال اجتماعی است را زنی ترسو که فرزندان خود را نیز ترسو بار می‌آورد، خطاب می‌کنند و با زیر سؤال بردن شیردلی‌های وی، شجاعت او را مسخره می‌کنند به‌گونه‌ای که زری، زیر فشار این تلقین‌ها و تفکرات مردسالارانه خانواده و جامعه فکر می‌کند شاید از اول هم ترسو بوده است.

نهایتاً زری «تنها شجاعتی که می‌توانست بکند این بود که جلو شجاعت دیگران را نگیرد» (همان: ۱۹۳). اما شاید اگر زنان جایگاه واقعی خود را در خانه و خانواده و جامعه می‌یافتند، دنیای آرام‌تری داشتیم؛ چرا که به‌گفته قهرمان زن داستان: «کاش دنیا دست زن‌ها بود، زن‌ها که زائیده‌اند یعنی خلق کرده‌اند و قدر مخلوق خودشان را می‌دانند. قدر تحمل و حوصله و یکنواختی و برای خود هیچ کاری نتوانستن را. شاید مردها چون هیچ‌وقت عملاً خالق نبوده‌اند، آنقدر خود را به آب و آتش می‌زنند تا چیزی بیافرینند. اگر دنیا دست زن‌ها

تأثیرگذاری از و بر زبان، ما را در رسیدن به الگوها و طرح‌واره‌هایی جهت مقایسه با موارد دیگر یاری می‌نماید. یکی از راه‌های کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های طرح‌واره‌های زبانی-اجتماعی و جنسیتی-فرهنگی حاکم بر جوامع، بررسی کنش‌های گفتاری سرل (۱۹۶۹) در آثار ادبی به‌ویژه شخصیت‌های داستانی است. زیرا «زبان به‌مثابه جولانگاه اندیشه و نمود فرهنگ و کنش‌های بشری از اهمیتی ویژه در مباحث و مطالعات اجتماعی برخوردار است» (ملکی سروستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲) و «فرض سرل این است که سخن گفتن به یک زبان، وارد شدن در نوعی رفتار قاعده‌مند و بسیار پیچیده است» (سرل، ۱۹۶۹: ۲۲ به نقل از عبداللهیان و باقری، ۱۳۹۶: ۲۴۶). «در این میان، فضای هنر و ادبیات، به‌ویژه رمان، می‌تواند نمایانگر این عرصه‌ها [گفتارها] و کنش‌های اجتماعی افراد، در بافت زمانی و مکانی متفاوت باشد.» (ملکی سروستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۲). به‌همین دلیل، بررسی گفتار و چگونگی بیان شخصیت‌ها در رمان، می‌تواند نشان‌دهنده رفتارهای اجتماعی یا تبیین افراد در بسترهای اجتماعی خاص باشد؛ به‌ویژه گفتارهای زنان که به‌دلیل داشتن قدرت کم‌تر در طول تاریخ، می‌تواند به‌گونه‌ای متفاوت از مردان نمود یابد و نشانگر موقعیت خاص و ویژه آن‌ها در برهه‌های زمانی و مکانی متفاوت باشد. با این دیدگاه، نظریه کنش‌های گفتاری، به‌دلیل اهمیت دادن به بخش مفهومی و معنایی گفتار با توجه به بافت زمانی و مکانی، می‌تواند بستری مناسب برای دریافت موقعیت‌ها و کنش‌های زنان در موقعیت‌های متفاوت باشد (همان: ۶۳)، و از آن‌جا که این طرز فکر جنسیت‌گرا در کنش‌های گفتاری شخصیت‌های داستانی نمود بارزی دارند، سوگیری‌ها و تعصبات جنسیتی متأثر از جامعه دورانی خاص یا به‌صورت عام در آن‌ها مشهود است. از این‌رو:

۱. «کنش گفتاری یکی از مبانی ایجاد ارتباط کلامی در متون ادبی به شمار می‌آید.» (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۸۱)

۲. «با تمرکز بر کنش‌های گفتاری یک متن می‌توان وضعیت و موقعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر را تحلیل کرد.» (همان).

۳. «کنش گفتاری به عنوان یک پدیده زبانی از مباحث مهم و نقش‌برانگیز در نقد روابط اجتماعی و زبان‌شناسی به‌شمار می‌آید؛ تا جایی که بررسی گفتارهای یک متن ادبی می‌تواند پرده از روابط اجتماعی موجود در فضای اثر

بردارد.» (همان: ۸۳)؛

۴. «بنابراین با تکیه بر کنش‌های گفتاری، روابط میان شخصیت‌ها و بازتاب اجتماعی نگاه جنسیتی در اثر، قابلیت تحلیل و بررسی پیدا می‌کند.» (همان: ۸۵) و

۵. «تجزیه و تحلیل کنش‌های گفتاری موجود در متن که توسط شخصیت‌های زن یا مرد ارائه می‌شود می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نشان‌گر ارتباط جنسیت گویندگان با پس‌زمینه‌های اجتماعی باشد» (میلز، ۱۹۹۴: ۱۶ به نقل از جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۸۶). «این امر نمایانگر ساختار اجتماعی حاکم بر اثر است که خاستگاه آن تعاملات اجتماعی مخلوق توسط افراد جامعه است.» (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

کنش‌های گفتاری مردان و زنان رمان سووشون

نمود باورها، تبعیض‌ها و کلیشه‌های جنسیتی جامعه درباره زنان را در کنش‌های گفتاری رمان سووشون می‌توان مشاهده نمود. برای مثال، شوهر (یوسف) حق‌طلب و عدالت‌خواهی که از همسرش (زری) می‌خواهد در مقابل زورگویی‌ها سکوت نکند و از حق خود دفاع نماید و به او می‌گوید: «چرا نباید جرأت داشته باشی که تو روی آن‌ها بایستی... زیرا [وقتی خیلی نرم شدی همه تو را خم می‌کنند]» (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۲۸)، وقتی با این پاسخ زری مواجه می‌شود که ابتدا باید در مقابل تو بایستم، یوسف را عصبانی می‌کند و از این سرکشی «زن» در مقابل «شوهر» خشمگین می‌شود. تناقضی که زنان جامعه ایرانی به‌رغم همه پیشرفت‌های علمی و اجتماعی با آن مواجه هستند؛ مردانی (پدر، همسر، و...) که در کلام به زنان آزادی عمل می‌دهند، ولی در عمل همین مردان حتی آزادی کلام را هم از زنان دریغ می‌نمایند. زری در رمان سووشون حتی در کلام حق انتقاد از یوسف را ندارد؛ شوهری که او را به حق‌خواهی تشویق می‌نماید. در نهایت، زنان فقط برای حفظ آرامش و کبان خانواده سکوت می‌کنند، ولی این خشم‌های فروخورده در ناهنجاری‌های اجتماعی، ناسازگاری‌های خانوادگی، طلاق‌های عاطفی، ازدواج‌های نافرجام و تربیت نادرست فرزندان نمایان می‌شوند.

در مجموع در فضای جامعه ایران، بر اقتدار شوهر و پدر [و همه مردان] تأکید شده و به همین دلیل، روابط سنتی مردسالارانه غالب گشته و زنان نیز به اجبار به حاشیه رانده شده‌اند. در این میان ادبیات نیز به بازنمایی این‌گونه

دگرخواهانه و] در راستای حفظ نظام خانواده و استحکام کانون خانواده است.» (همان).

زری: «همیشه همین‌طور است .. برای حفظ آرامش خانواده..» (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۲۷).

وضعیت زنان در جامعه مردستان سووشون

در این قسمت با توجه به کنش‌های گفتاری مردان و زنان - که اغلب اظهاری هستند- به وضعیت "زنان" در "جامعه" ارباب(مرد/ بیگانه)سالار "سووشون" پرداخته می‌شود. در این جامعه مردسالار زنان از مردان خودی (شوهر، پسر، پدر، برادر، برادرشوهر و ...) و بیگانه لطمه دیده‌اند و چاره‌ای جز تسلیم شدن و سکوت کردن ندارند؛ جامعه، مردستانی شده که مردان با نگاه فرادستی-فرودستی و ارباب-رعیتی، هم زنان سطح پایین جامعه و هم زنان سطح بالای جامعه را استثمار می‌نمایند و کمتر زنی است که بازیچه مردان نشده باشد:

- وضعیت جامعه و زنان از زبان یوسف: «مردم این شهر شاعر متولد می‌شوند اما شماها شعرشان را کشته‌اید ... پهلوان‌هایشان را اخته کرده‌اید. حتی امکان مبارزه را هم باقی نگذاشته‌اید که لااقل حماسه‌ای بگویند و رجزی بخوانند ... سرزمینی ساخته‌اید خالی از قهرمان. شهر را کرده‌اید عین گورستان، پر جنب‌وجوش‌ترین محله‌اش محله مردستان است... که ساکنانش بیشتر زن‌های فلک‌زده‌ای هستند که با سرخاب و سفیدابی که به صورتشان می‌مالند معاش می‌کنند» (همان: ۱۸).

- زری: «من و خانم مهین، از طرف جمعیت زنان رفته بودیم بازرسی خانه‌های محله مردستان. [...] من با همه نرمی و ملایمتی که دارم خشمم گرفت. [به رئیس آن‌جا] گفتم: زن، خجالت نمی‌کشی دختر به این کوچکی را به کار [فحشا] وامی‌داری؟ [...] گفت: چه کنم خانم جان؟ مشتری زیاد است. [...] نمی‌شود مشتری [مردان] را ناامید کرد. [...] بعد معلوم شد که آن خانم رئیس، ده دوازده‌تا از این دخترپچه‌ها را به کار واداشته» (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۶۳-۱۶۴).

- زری: «رئیس قشون، مدیران روزنامه‌های شهر و رؤسای ادارات و همه با زن‌هایشان کم‌کم آمدند» (همان: ۳۵). در مراسم عروسی دختر حاکم «زن‌های شهر با لباس‌های رنگارنگشان در بغل افسرهای غریبه می‌رقصیدند و مردهایشان روی مبل‌ها نشسته بودند و آن‌ها را می‌پاییدند. [...] هر رقصی که تمام می‌شد

ایدئولوژی‌های جنسیتی پرداخته است (واحدی و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۲۲۰). وجه اشتراک بررسی کنش‌های گفتاری آثار کهن و معاصر ادبی که در آن به زنان از طبقه و جایگاه اجتماعی متفاوت می‌پردازد، انفعال زنانه در مقابل سلطه مردانه است. برای مثال، «در گفتارهای گرشاسب‌نامه سلطه مردانه و انفعال زنانه کاملاً مشهود است تا جایی که حتی داشتن طبقه و جایگاه اجتماعی برتر برای زنان در این اثر نتوانسته است امتیاز خاصی را در کنش گفتاری آنان نسبت به مردان ایجاد کند.» (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

بررسی کنش‌های گفتاری رمان سووشون «سیمین دانشور» نیز نشان می‌دهد مردان به‌خاطر قدرت، فعالیت و کنشگری بیشتر در اجتماع، از کنش‌های گفتاری اعلامی و تعهدی بیش از زنان استفاده نموده‌اند؛ ولی مانند زنان از کنش‌های گفتاری اظهاری، ترغیبی و عاطفی بیشتر از دیگر کنش‌ها بهره برده‌اند. علاوه بر این، در سووشون با وجود زنان شهرنشین -اغلب از قشر مرفه، باسواد و تحصیل‌کرده- نتایجی تقریباً مشابه با زنان -سنتی، کم‌سواد و بی‌سواد قشر محروم و- روستایی رمان‌های «هوشنگ مرادی کرمانی» مشاهده می‌شود. زیرا نتایج پژوهش انجام شده بر آثار مرادی کرمانی نشان‌دهنده کاربرد بیشتر کنش‌های ترغیبی در کلام شخصیت‌های زن داستان‌هاست و نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده کاربرد بیشتر کنش‌های اظهاری در کلام شخصیت‌های زن داستان رمان سووشون است «که می‌توان این کنش‌های اظهاری را مقدمه‌ای برای کنش‌های ترغیبی و در خدمت آن دانست. زیرا بیشتر این کنش‌های اظهاری در ادامه به کنش‌های ترغیبی منجر می‌شود و به‌نوعی نماینده کنش ترغیبی به‌شمار می‌آیند» (ملکی سروستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۰). کنش‌های «عاطفی به‌کار برده شده نیز بیشتر در راستای ترغیب مخاطب هستند تا بدین‌وسیله به‌گونه غیرمستقیم دیگران (به‌ویژه مردان و شوهران) را برای رسیدن به خواسته‌های خود ترغیب و تشویق کنند.» (همان: ۶۱). همچنین در آثار دو نویسنده میزان استفاده از کنش‌های تعهدی و اعلامی، «به‌دلیل کم‌تر بودن قدرت اجرایی و کنشگری زنان» (همان: ۷۵)، بسیار کم یا ناچیز است. زیرا «این دو کنش نیاز به کنشگری‌های مستقیم فرد دارد، اما به‌دلیل موقعیت اجتماعی زنان در فضای جامعه مردسالار این رمان‌ها و قدرت و نفوذ کم‌تر آن‌ها در اداره امور مربوط به زندگی خانواده خویش، جایی در این داستان‌ها ندارند.» (همان: ۷۸) و به‌طور کلی «کنش‌های گفتاری آن‌ها [بیشتر

- افسرها، خانم‌ها را به جای اولشان می‌رساندند. [...]
- بعضی از افسرها پاها را جفت می‌کردند و دست زن‌ها را می‌بوسیدند [...] سرجنت زینگر آمد جلو زری [...] و گفت: «برقصیم». زری عذر خواست.» (همان: ۱۱).
- عزت‌الدوله خطاب به قدس‌السلطنه (فاطمه/عمه خانم): «من زودتر شوهر کردم اما هر دو بدبخت شدیم. [...] و من حتی عارم می‌شد به تو که خواهرم بودی درد دل کنم.» (همان: ۸۹). «[شوهرم] بنچاق ملک‌هایم را می‌دزدید [...] و [ملک‌هایم] را می‌فروخت ... بعد پولش را پای زن‌ها می‌ریخت» (همان: ۱۶۶). «می‌گفتم مهرم حلال، جانم آزاد، ولم کن برو. خانه و زندگی که مال من است. لولوی سر خرمن نمی‌خواهم.» (همان: ۹۱). «جهازی که من داشتم، خانه و زندگی پدری که همه‌اش دست آن نامرد افتاده بود» (همان: ۸۹). «گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه...» (همان: ۱۶۵ و ۱۷۳). «می‌گویند هر سیاه‌بختی در خانه شوهر تا چهل روز سفیدبخت است. اما برای من چهل روز هم نکشید. [...] صبح روز سوم عروسی دعویان شد [...] (همان); ماه اول عروسیمان بود که [شوهرم] عاشق نیم‌تاج، زن مسعودخان دندان طلا شد. [...] می‌گفت دوست ندارم [...] اما] من بدبخت‌احمق، جانم برایش در می‌رفت. [...] هزار بار بیشتر موی بور و سیاه و پولک لباس زن‌ها را از روی یقه کتش گرفتم. دیگر آخری‌ها دست از رو برداشته بود و خانم می‌آورد خانه. [...] آخری‌ها عاشق خانم صد تومانی شده بود. [...] اول روی تخت نمازش را می‌خواند و بعد می‌نشست به عرق‌خوری. [...] می‌گفت چه کنم من این‌طوریم. از دیدن چادر نماز زن، هر زنی که باشد، حالی به حالی می‌شوم. [...] وقتی تهدیدش می‌کردم که می‌روم خانه حاج‌آقا] آن خدا نیامرز می‌گفت ... خود حاج‌آقا از عشاق درجه اول روزگار است. خودش زن عقد نکرده خانه نشانده» (همان: ۸۹-۹۱).
- خان کاکا خطاب به عمه/فاطمه خانم: «اگر حاج‌آقام [مجتهد جامع‌الشرایط] عقل داشت الانه ما کرور کرور ثروت داشتیم. همه پول‌ها را خرج آن لکاته رقص، سودابه هندی کرد. خانم تو دیار غربت از دستش دق کرد و مرد. اگر عقل داشت ترا [فاطمه خانم] به آدم بی‌کله‌ای مثل پسر میرزا میور شوهر نمی‌داد که دستی دستی خودش را به کشتن بدهد و تو مجبور به کلفتی
- در خانه [برادر بشوی]» (همان: ۲۵).
- عمه: «اسم مادرم فصیح‌الزمان بود. فصیح‌الزمانی که یک کلمه حرف نزد که [از نامردی شوهرش] چه بر سرش آمده. جریان کلفتی را هم از خود فخرالشریعه شنیدیم.» (همان: ۷۹). «بی‌بی [خیانت‌های پدرم را] می‌شنید و می‌دید اما دم نمی‌زد. حالا که گذشته و رفته، حتی درد دل با من که دخترش بودم نمی‌کرد. همه مردم شهر حرف حاج‌آقا و سودابه هندی را می‌زدند غیر از زنش که اصل کاری بود.» (همان: ۷۶). «خدایا، ناشکری نمی‌کنم اما در این دنیای تو غیر از غصه چیزی نفهمیدم.» (همان: ۶۵); «همیشه دردم را برای خودم نگه داشته‌ام. هیچ‌وقت به کسی نگفته‌ام چه کشیده‌ام.» (همان: ۶۹). «خدا را شکر که بی‌بی این‌جا نبود داغ‌های [مرگ یکی یک‌دانه پسر شش ساله و خودکشی شوهر جوان] مرا ببیند.» (دانشور، ۱۳۴۸: ۷۷). «[پسرم] اگر حالا بود کی فکر حجاب و مرد نامحرم بود؟ کی فکر تریاک بود و از بی‌تریاک‌ی ریشه می‌افتاد به تمام تنش؟» (همان: ۷۱). «خدایا همچین آدمی [یک زن نجیب و باسواد] نباید تریاکی شود.» (همان: ۷۳). «خدایا من هم برای خودم زنی بودم.» (همان: ۷۲); اما «آدم را قلیانی می‌کنند، تریاکی می‌کنند، بس که به آدم سخت می‌گیرند.» (همان: ۶۵); «دل‌م می‌خواست ها کنم و همه مردم را با های زهرآلودم خاکستر کنم.» (همان: ۷۱); «خدا دیوانشان را بر باد بدهد. همچین به سرم زده که می‌خواهم این منقل آتش را بردارم و بریزم روی سرم.» (همان: ۵۸); «از بس خشمم گرفت، تریاک‌های نازنینم را ریختم تو آتش.» (همان: ۵۹).
- زری: «من هم به اندازه خودم غصه داشته‌ام [زندگی سخت پس از فوت پدر، مرگ مادر بر اثر سرطان و ...].» (همان: ۶۹). «خدایچه ... گفت [بعد از مرگ ناگهانی یوسف] مثل تریاک خورده‌ها شده‌ام که تازه از مرگ نجاتشان داده باشند. گفت یک شبه به اندازه هزار سال پیر شده‌ام. ... خودم خودم را در آینه نشناختم.» (همان: ۲۷۷). «خدایا این همه بدبختی! این همه بی‌کسی!» (همان: ۲۲۳). «[من] برای خودم هیچ کاری نمی‌کنم ... نه تجربه‌ای. نه دنیا دیدنی.» (همان: ۱۳۰).
- عزت‌الدوله: «هر چه می‌کشم از دست اولاد [پسرم] است.» (همان: ۱۶۴، ۱۶۵ و ۱۶۶); «آن خدانیامرز که

[بی‌بی] یک زن بی‌گناه را آواره کرده. اما دست خودش نیست. «دانشور، ۱۳۴۸: ۷۸). اما همین مردم وقتی باید از حق دفاع نمایند، بلد نیستند. به‌قول یوسف: «مسئول این نابلدی کیست؟» (همان: ۵۱) خود مردم؟ حاکمان؟ جامعه؟ یا ...:

— یوسف خطاب به خسرو: «مادرت تقصیری ندارد. [...] مربی‌ها و معلم‌هایی که مادرت [زری] دیده سعی کرده‌اند همیشه از واقعیت موجود دور نگهش دارند» (همان: ۱۲۷-۱۲۸).

— خسرو: «در کتاب‌های درسی [یک کلمه نوشته‌اند آدم چطور حق خودش را بگیرد. (همان: ۱۳۵).

— فاطمه/عمه‌خانم خطاب به زری: «همچین سرگرم کارم [درس خواندن] بودم که نمی‌فهمیدم دور و برم چه خبر است؟» (همان: ۷۳).

در این جامعه مظلوم و منفعلی ارباب(مرد/بیگانه)سالار، ظاهراً تظلم(ستم‌دیدگی)ها هم اختیاری نیست:

— عمه: «آدم در برابر مردمی که حاکم مال و جان همه‌اند چه می‌تواند بکند؟» (همان: ۱۲۸)

— خان کاکا: «زن داداش جر و بحث نکن. اختیار یک کره اسب بی‌قابلیت برادرم را ندارم؟» (همان: ۶۳). «شما خیال می‌کنید می‌شود با حاکم درانداخت؟ [...] گفتم با حاکم نمی‌شود درانداخت.» (همان: ۶۲-۶۳). «هر چه باشد صاحب اختیار آن‌ها هستند.» (همان: ۱۶).

— زری: «با حاکم که نمی‌شود، با سرجنت زینگر هم که نمی‌شود [درانداخت]. هر دوشان برادرخوانده همدیگرند. شهر شده محله مردستان.» (همان: ۶۳).

— زری: «خان کاکا مجبورمان کرد سحر [اسب خسرو] را بفرستیم برای دختر حاکم.» (همان: ۱۱۷-۱۱۸). «این‌طور دست و پای آدم را در برابر حوادث تو پوست گردو می‌کنند. خودشان می‌برند و می‌دوزند و قول و قرار می‌گذارند.» (همان: ۶۳). «هرچند می‌دانست اگر می‌شد پشت گوشش را ببیند روی گوشواره‌ها را هم خواهد دید. اما می‌توانست ندهد؟» (همان: ۸). به قول عمه: «پدهی بد، ندهی بد.» (همان: ۸۲).

— عمه: «فکرش را که کردم دیدم [زری] نمی‌توانسته است [گوشواره زمرد یادگاری مادرشوهرش برای شب عروسیش را به دختر حاکم] ندهد.» (همان: ۱۲۸). «حالا دیگر باید برویم زیر درخت چکنم بنشینیم.» (همان: ۸۲).

نمی‌دانست چطور بچه تربیت کند، حتی نگذاشت ببرندش نظام اجباری. [...] اگر برده بودندش نظام اجباری شاید آدم می‌شد. خدانیامرزت مرد! بچه پانزده ساله را با خودش می‌برد خانم‌بازی [...] زنش [زن پسر حمید] هم که عرضه ندارد آدمش کند. [...] لایق ریش آن پدر [عیاش]، چنین پسری است. گوربه‌گور بشوی مرد، خدانیامرزت!» (همان: ۱۶۴).

«همه کار این خانه [شهر/جامعه] وارونه است.» (همان: ۵۹) و «کار از اساس خراب است.» (همان: ۱۰۹ و ۱۴۹). زیرا مشرعان، شرعیات را زیر پا می‌گذارند و ریاکاران مشرع می‌شوند و «هر روزی مثل بوقلمون به رنگی در می‌آیند.» (همان: ۲۹۲). در فضای ارباب‌سالاری، خون اربابی که «نفس حق» می‌زد (همان: ۱۲۳) و «به آزار مورچه‌ای هم راضی نبود [و] با رعیتش مثل یک برادر بزرگتر تا می‌کرد.» (همان: ۲۹۱)، با «تیر ناحق» ریخته و غریبانه بدون طواف و نماز میت و تشییع جنازه (همان: ۳۰۳) و شبانه‌مانند جنایتکاران (همان: ۲۴۶) دفن می‌شود. «آدم عاقل اهل این دنیا» (همان: ۱۲۳) و «محترم‌ترین مرد این شهر» وارونه (همان: ۱۲۰)، و کیلی قلبی، فرصت‌طلب، جاه‌طلب، محافظه‌کار، ریاکار و اهل رشوه و دروغ و دونگ است:

— خان کاکا/ابوالقاسم‌خان: «این‌ها را باش که خیال می‌کنند من وکیل راست راستکی آن‌ها هستم. از حالا خرده فرمایش‌هایشان شروع شده. [...] نمی‌دانند [این وکالت هفتاد هزار تومان برای ما تمام شد]» (همان: ۱۴۹).

— فاطمه/عمه‌خانم: «خان کاکا یک گونی قند و بیست بسته چای رعیتش را برده داده به سید مطیع‌الدین. شنیده‌ام پشت سرش نماز هم می‌خواند. آدمی که به عمرش نمی‌دانست قبله از کدام سمت است.» (همان: ۲۱).

— خان کاکا: «نمی‌شود که از این فرنگی‌ها هیچ استفاده‌ای هم نکرد.» (همان: ۱۲۳). «اقلاً حالا که دری به تخته خرده کمک کنی من هم در این دنیا قد علم کنم.» (همان: ۲۴).

در این «تاریک‌خانه» (همان: ۲۸۸) و جامعه وارونه «مردم وقتی بخواهند بدجنسی کنند، خوب بلدند.» (همان: ۷۴) با این بهانه و ادعا که این تظالم(ستم‌گری)ها دست خودشان نیست، («[سودابه] گفت که می‌داند یک ملای شیعه، یک مجتهد جامع‌الشرایط را بدنام کرده. می‌داند که

- عزت‌الدوله: «پسرم مثل پدرش (همان: ۹۱) دست ماچ می‌کند، پا ماچ می‌کند و سرش را به سینه‌ام می‌چسباند و با این دلبری‌ها می‌دانم که فردایش هر کاری را که بخواهد خواهد کرد.» (همان: ۱۶۶).
- در این جامعه منفعل ارباب(مرد/بیگانه)سالار که جرم مردان بیگانه‌پرستش برادرکشی است و برادرهای خود را به برادرخوانده‌های اجنبی می‌فروشد و به جای زندانی شدن برای این برادرکشی و برادرفروشی تشویقی، ارتقا و پاداش هم می‌گیرند؛ «زندان زنان نسبتاً خلوت است. گرفته‌گیری هم در کار نیست چرا که جرم زن‌ها معمولاً از حدود آفتابه دزدی بالاتر نمی‌رود.» (همان: ۱۶۲). در این جامعه وارونه، زنان نجیب، شریف و باسوادی همچون قدس السلطنه معتادند و زنان گناهکار و خلافکاری همچون عزت‌الدوله که سرشار از عقده‌ها و مشکلات روانی‌اند آزاد و به نیکوکاری و تشخص معروف‌اند، و زنان آگاه، دانا و عاقلی همچون آموزگار شهر و خانم فتوحی (خواهر آقای فتوحی معلم روشن‌فکر معروف شهر) - که «مقاله‌هایی درباره حقوق زن و علیه مظالم مرد در روزنامه‌های محلی می‌نوشت. و مجله‌ای را هم راه می‌برد که در آن دختران را به بیداری می‌خواند.» (همان: ۱۰۷) - و پزشک معروف شهر خانم مسیحادم، به‌خاطر فشارها تحمل خود را از دست داده و از دیوانه‌خانه سردرآورده‌اند. اما «چرا باید این همه بدبختی باشد؟» (دانشور، ۱۳۴۸: ۲۲۳). دلیل آن را آقای فتوحی «بیماری اجتماع» و حتی قتل یوسف (قهرمان شریف و آزادمرد و ارباب فداکار و رعیت‌دوست) را - که «کفاره دادن به گناهیانی است که دیگران می‌کنند.» (همان: ۲۳۴) - «مسئله‌ای اجتماعی» می‌داند:
- خسرو: «به قول آقای فتوحی، وقتی جامعه درست شد دیگر هیچ‌کس دیوانه نمی‌شود» (همان: ۱۲۶).
- فتوحی: «باید جامعه را طوری بسازیم که خواهر هیچ‌کس دیوانه نشود. جنون خواهر من نشان بیماری اجتماع است.» (همان: ۲۱۵). «قتل یوسف‌خان از نظر شما یک مسئله خصوصی است و از نظر ما یک مسئله اجتماعی» (همان: ۲۹۴).
- اما باید پرسید که علت این همه مسئله اجتماعی و بیماری اجتماعی چیست؟ باید گفت: دلیل اصلی این وارونگی‌های جامعه، تأثیر القائات اربابان، مردان و اجتماع ارباب/مردسالار و ظلمی است که جامعه اربابستان و مردستان به همه مردم (هم مردان و هم زنان) نموده است و اغلب مردان و زنان نیز آن را پذیرفته و حرف اربابان خود را باور
- کرده و «مثل آدم کوکی» (همان: ۱۱ و ۱۲۳) تسلیم اوامر آن‌ها شده‌اند (خان کاکا: «غیر از تسلیم و رضا کو چاره‌ای؟» (همان: ۲۴۹)). اما گاهی مردم بیش از حد فریفته اربابان خود می‌شوند و به گفته ابوالقاسم‌خان: «حکایت آن شوهره است که به زنش گفت: من گفتم برقص، اما نه به آن خوبی.» (همان: ۲۵۴). این انفعال تحمیل شده اغلب، زنان و مردان را محافظه‌کار و ترسو، و گاهی زن‌ها را از زن بودن خودشان پشیمان ساخته است؛ تا جایی که حتی زری، قهرمان زن داستان خود را بی‌عرضه (همان: ۳۶، ۶۰، ۶۴، ۹۴، ۱۲۹) و در یک آن زندگی زناشویی را از اساس کار غلطی می‌داند (همان: ۱۳۱). در جامعه مردستان، مردهای ترسو و محافظه‌کار، زنان شجاعی را که در برابر زورگویی‌ها می‌ایستند ناقص‌العقل، بی‌عقل، و حتی ترسو می‌نامند و زنانی را عاقل و شجاع می‌دانند که از مردان حساب ببرند:
- خان کاکا: «به‌خدا عقل از سر همه‌تان پریده.» (همان: ۶۱)؛ «بیخود نگفتند که زن‌ها ناقص‌العقلند.» (همان: ۶۰). «همشیره، شما زن‌ها سرتان توی حساب نیست.» (همان: ۲۴۹). «زن داداش عاقل باش. حرف گوش کن.» (همان: ۲۹۲).
- عمه نفرین کرد و گفت: «خدایا، چرا مرا لچک به‌سر [زن] آفریدی؟ اگر مرد بودم، نشان همه می‌دادم که مردانگی یعنی چه؟» (همان: ۲۴۹).
- خسرو: «چقدر زن‌ها ترسو و دروغگو هستند.» (همان: ۱۲۲)؛ «اگر این زن‌ها نبودند و محض خاطر آن‌ها نبود پسرها چه زود می‌توانستند مرد بشوند ... زن‌ها می‌ترسند و ما مردها را هم می‌ترسانند» (همان: ۱۲۸-۱۲۹).
- خان کاکا خطاب به خسرو: «به حرف زن‌ها گوش نکن. همه‌شان ترسو هستند.» (همان: ۶۱).
- عمه/فاطمه خانم خطاب به خان کاکا: «نمی‌دانستی که زن داداشم بی‌اجازه یوسف [شوهرش] آب نمی‌خورد؟» (همان: ۶۰).
- زری: «چکار کنم تا شما [مردان] راضی بشوید؟ چکار کنم تا شجاع بشوم؟» (همان: ۱۳۱).
- خان کاکا خطاب به زری: «زن‌هایی مثل تو که هر چه مردشان گفت عین بره تصدیق می‌کنند، باعث جوانمرگی هستند. [...] تو هر کار غلطی آن ناکام [یوسف] کرد به‌به گفتمی» (همان: ۲۹۳).
- عمه خانم خطاب به زری: «ولی همیشه هم تقصیر تو

- نیست. [اربابان/مردان] نمی‌گذارند تو از اول راه را درست بروی و بعد مجبوری آنقدر جوش و جلا بزنی و سرت به سنگ بخورد تا راهی را که کج رفته‌ای جبران کنی.» (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۴۰).
- یوسف: «به این نتیجه رسیده‌ام که هیچ چیز را نمی‌توانم تغییر بدهم ... اگر آدم نتواند حتی در زنش تأثیر بگذارد...» (همان: ۱۲۲).
- در داستان مردانی مثل یوسف، صادق (یوسف: «من آدم سرراستی هستم، اگر سرم هم برود اهل دروغ و دونگ نیستم» (دانشور، ۱۳۴۸: ۲۴))، شجاع (یوسف: «با احدی رودربایستی ندارم.» (همان: ۴۷)) و با «فهم و شعور و سواد» (همان: ۲۴۴)، از همه حتی زنان و فرزندان خود توقع ایستادگی و مقاومت در برابر مشکلات و به‌ویژه زورگویی‌ها را دارند؛ حتی اگر آرامش خود و خانواده‌شان به‌هم بریزد؛ (خان کاکا خطاب به هرمز پسرش: «امیدوارم تو مثل عمویت [یوسف] نشوی که از غصه مردم و مملکت، زندگی را به خودش و اطرافیانش حرام کرده.» (همان: ۱۲۳)). زیرا به اعتقاد یوسف: «مسئله مهم ایستادگی است.» (همان: ۳۰) و «آرامشی که بر اساس فریب باشد چه فایده‌ای دارد؟» (همان: ۱۲۸).
- خطاب عصبانیت‌آمیز یوسف به زری: «چرا نباید جرأت داشته باشی که تو روی آن‌ها بایستی [...] زن، کمی فکر کن. وقتی خیلی نرم شدی همه تو را خم می‌کنند» (همان) پس «همان وقت که می‌ترسی کاری را بکنی، اگر حق با توست، در عین ترس آن کار را بکن.» (همان: ۱۳۱). وگرنه به اعتقاد مک‌ماهون، خبرنگار جنگی ایرلندی: «اگر نرم بشوی کلکت کنده است.» (همان: ۱۴).
- قدس السلطنه (فاطمه/عمه خانم): «خاندانم که بر باد رفت [بعد از دیدن مصیبت‌ها] یوسف برایم نوشت. خواهر سعی کن روی پای خودت بایستی. اگر افتادی، بدان که در این دنیا هیچ کس خم نمی‌شود دست ترا بگیرد بلندت کند. سعی کن خودت پا شوی.» (همان: ۷۷).
- اما اگر همین زنان بخواهند از حق خود دفاع و شجاعانه رفتار نمایند توسط همین مردان تحقیر و سرکوب می‌شوند و با «زبان ماری» (همان: ۲۹۳) به هم نیش و کنایه می‌زنند؛ زیرا آن‌ها نیز فرشته نیستند (یوسف: «من نه فرشته‌ام، نه دیو. من هم مثل همه آدم گناهکاری هستم.» (همان: ۴۹)).
- زری خطاب به یوسف: «دختر که بودم، من هم برای خودم شجاعت داشتم. [...] اما] اگر من بخواهم ایستادگی کنم، اول از همه باید جلو تو بایستم ... تو شجاعت مرا از من گرفته‌ای ... آنقدر با تو مدارا کرده‌ام که دیگر مدارا عادت‌م شده.» (همان: ۱۲۹).
- یوسف خشمگین [خطاب به زری] فریاد زد: «من؟ جلو من بایستی؟ [...] تو از روی غریزه، نمایشی به اسم شجاعت داده‌ای ... غریزه خام تصفیه نشده» (همان).
- یوسف که مثل یک هیولا و ببر وحشی شده بود به زنش سیلی زد و آمرانه گفت: «خفقان بگیر. در غیابم فقط یک مترسک سر خرمی!» (همان: ۱۱۸).
- خان کاکا خشمگینانه داد زد [و خطاب به زری گفت]: «تو هم زبان درآوردی؟ [...] رسیدی به مال مفت و دیگر یادت رفت که زنی گفته‌اند و مردی. زن آستر است و مرد رویه، آستر است که باید رویه را نگه دارد.» (همان: ۲۹۳).
- خان کاکا داد زد: «این چه مسخره‌بازی است درآورده‌اید! همه کار افتاده دست زن‌ها و بچه‌ها!» (همان: ۲۹۵).
- فاطمه/عمه خانم خطاب به یوسف و خسرو: «چه خبرتان است؟ پدر و پسری افتاده‌اید به جان این بنده خدا [زری]؟» (همان: ۱۲۸).
- در این جامعه آشفته که «هیچکس از دل هیچکس خبر ندارد.» (همان: ۱۱۴)؛ به قول دکتر عبدالله خان مردان نابی اهل معرفت مثل یوسف و شاه‌زن‌هایی اهل معرفت مثل زری اشخاص نادری هستند که چشم و گوششان باز است ولی حیف که فرصتشان کم است و به قول مک‌ماهون، از این شاخه‌های بلند و پرپار که واقف بر ماجراها هستند می‌خواهند که نینند، نشنوند و نگویند. زیرا آن‌ها گل‌های نایاب زمین‌اند و حسودانی که مرض بدخیم، مسری و گاهی هم ارثی ترس دارند می‌خواهند این گل‌های نایاب یا اصلاً نباشند یا مثل خودشان خرزهره و علف‌های هرز باشند، وگرنه پَرپَرشان (نابودشان) می‌کنند یا آن‌قدر زجرشان می‌دهند و به آن‌ها سخت می‌گیرند تا پژمرده (افسرده و دیوانه) و از درون پوسیده و نابود و جوانمرگ یا فراری شوند و یا خودکشی کنند.
- اما «چه باید کرد که اساس کار درست بشود؟» (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۰۹). به عقیده یوسف، خودت باید راه حل مشکلاتت را بیابی (همان: ۱۲۶ و ۱۲۸) و «همان وقت که می‌ترسی کاری را بکنی، اگر حق با توست، در عین ترس آن کار را

بدیهی است که پرمخاطبی و شهرت آثار این نویسندگان شیواسخن مدیون صداقت و سادگی کلام آن‌هاست که شخصیت‌های داستان‌های الهام‌گرفته از جامعه حقیقی و پیرامونشان را برای مخاطبانشان بسیار باورپذیر نموده‌اند. آشنایی با این حقیقت‌های فرهنگی-اجتماعی و شخصیت‌های داستانی برگرفته از اشخاص حقیقی جامعه، آگاهی دیگران (غیرایرانیان) را از افراد آن جامعه زبانی (ایرانیان) افزایش می‌دهد و قدرت برقراری ارتباط (توانش ارتباطی) آنان را در آن جامعه (ایران) تقویت و از سؤتفاهمات فرهنگی-زبانی پیشگیری می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

ادبیات آیینی اجتماع و متأثر از جامعه دوران شکل‌گیری خود است، مانند ادبیات دوران مشروطه، انقلاب، جنگ، و... . بنابراین یکی از راه‌های شناخت یک جامعه بررسی آثار ادبی و به‌ویژه داستانی آن است که در داستان‌پردازی‌های نویسنده نحوه تعاملات شخصیت‌ها را می‌توان از شخصیت‌پردازی‌هایی که وی در مسیر داستان از ابتدا تا انتها انجام می‌دهد پی برد. یکی از راه‌های کشف روابط اجتماعی مطالعه کنش‌های گفتاری یا کارگفت‌های زبانی شخصیت‌هاست. زیرا ادبیات به عنوان بخشی از زبان، و زبان به عنوان وسیله برقراری تعاملات اجتماعی چنان درهم‌تنیده‌اند که با مطالعه آثار ادبی و به‌خصوص ارتباطات زبانی و کلامی شخصیت‌های داستان‌ها می‌توان به ویژگی‌های اجتماعی هر دوره پی برد. از این رو، جامعه‌شناسی ادبی را می‌توان بخشی از جامعه‌شناسی زبان دانست که از طریق آن می‌توان مردم و تعاملات اجتماعی دوره‌ای خاص را شناخت و اوضاع سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... جامعه آن دوران را متوجه شد و نما و دیدی کلی از آن جامعه پیدا کرد. برای مثال، با جامعه‌شناسی زبانی رمان سووشون می‌شود به جو محافظه‌کارانه و مظالم جامعه مظلوم و منفعلی که تظلم و تظالم در آن اختیاری نیست پی برد.

بررسی زبان‌شناختی اجتماعی کلام شخصیت‌ها، به‌ویژه قهرمان زن داستان رمان سووشون (زرری) اوضاع زنان ایرانی را نه در زمان و مکانی محدود که در همه دوران‌های مردسالاری نمایان می‌سازد؛ نویسنده-راوی (دانشور) این رمان نیز هنرمندانه تلاش نموده در جریان داستان اوضاع جامعه را از دید زنی (زرری همسر یوسف) روایت کند که در زندگی به رغم برخورداری از سواد، موقعیت اقتصادی و

بکن.» (همان: ۱۳۱) و توکل کن بر «ارباب آسمانی» (خدا) (همان: ۲۵۸) که «خودش هوای هر کاری را دارد.» (همان: ۲۲۷). به‌علاوه، تعبیر شیوه فکری و تطبیق آن با زندگی و روحیه و روش اجتماعی، تعلیم و تربیت دقیق می‌خواهد و مستلزم پختگی و وسعت نظر و فداکاری بی‌حد و حصری است (همان: ۱۲۴) و «روشندلی لازم است تا بتوان با روشنفکری و بی‌دخلت غیر، برای مردم این مملکت کاری کرد» (همان: ۱۲۵) (تا نگوییم: چه گداهمت و بیگانه نهادیم؛ پس: مرو به خانه ارباب بیمروت دهر / که گنج عافیتت در سرای خویشتن است). چرا که «آخر آدم باید در این دنیا یک کار بزرگتری از زندگی روزمره بکند. باید بتواند چیزی را تغییر بدهد.» (همان: ۷۴). اما فقط کافیست که بخواهی و امیدوار باشی (سیمین دانشور: «من می‌خواهم وقتی همه نامیدند، امیدوار باشم.» (قبادی، ۱۳۸۳: ۵۰)) و مرض ترست را «پیش از این که مزمزم بشود ریشه کنش کنی.» (دانشور، ۱۳۴۸: ۲۸۴) و «از واقعیت تلخ نگریزی.» (همان: ۲۸۵) تا بشوی زن و «مرد حسابی» (همان: ۳۰۲) و بدان که می‌توانی؛ زیرا به اعتقاد دکتر عبدالله خان «در این دنیا، همه چیز دست خود آدم است [...] بدن آدمیزاد شکننده است. اما هیچ نیرویی در این دنیا، به قدرت نیروی روحی او [آدمیزاد] نمی‌رسد، به‌شرطی که اراده و وقوف داشته باشد.» (همان: ۲۸۵) و به قول ملک‌رستم: «هیچ کاری هم که نتوانیم بکنیم به بچه‌هایمان راه [درست] را نشان داده‌ایم.» (همان: ۱۹۶) و مانند ابولقاسم‌خان‌ها با «دروغ و دونگ» (همان: ۲۴، ۶۲ و ۹۸) و بی‌خیال بارشان نمی‌آوریم («از حالا [پسرم هرمز شراب] بخور و سعی کن از این دنیا لذت ببری.» (همان: ۱۲۳)) و مانند عزت‌الدوله‌ها منتظر نمی‌نشینیم تا جامعه، سربازی یا زن‌گرفتن بچه‌هایمان را آدم کند (همان: ۱۶۴)؛ چراکه تربیت فرزندان وظیفه مادرانی شجاع و شاه‌زن، و پدرانی شجاع و اهل معرفت است.

از وضعیت زنان شهری جامعه سووشون - با توجه به کنش‌های گفتاری مردان و زنان ارائه شده - و مقایسه آن با کنش‌های گفتاری زنان جامعه روستایی رمان‌های هوشنگ مرادی کرمانی، در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که هر دو نویسنده صرف‌نظر از جنسیت، وضعیت و موقعیت خود - یعنی سیمین دانشور به عنوان یک نویسنده زن تحصیل‌کرده و مرفه در مقابل هوشنگ مرادی کرمانی به عنوان یک نویسنده مرد که سختی‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است - به بازنمایی جایگاه واقعی زنان در جامعه پرداخته‌اند.

دوم (زبان خارجی)) و «شکست کاربردشناختی»^۴ (عدم شناخت، درک و تشخیص صحیح نوع کنش گفتاری) به‌ویژه «شکست کاربردشناختی اجتماعی»^۵ (عدم شناخت، درک و تشخیص نحوه صحیح به‌کارگیری کنش‌های گفتاری) آنان خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت، آشنایی با ادبیات و شخصیت‌های آثار ادبی برگرفته از جهان بیرون، مخاطبان و خوانندگان این آثار را با جامعه و افرادی که از آن جامعه برآمده‌اند آشنا می‌سازد و بینشی اجتماعی از فرهنگ حاکم بر جامعه را به مخاطب القا می‌نماید. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش دانش ادبی فارسی‌آموزان و مخاطبان خارجی در افزایش آگاهی جامعه‌شناختی و دانش زبان‌شناختی اجتماعی که منجر به تقویت توانش ارتباطی آنان می‌شود تأثیر به‌سزایی دارد و توجه بیشتر برنامه‌ریزان درسی ویژه غیرفارسی‌زبانان را به گنجاندن متون ادبی در برنامه‌ها، طرح درس‌ها و کتاب‌های فارسی‌آموزی و ایران‌شناسی می‌طلبد.

در نهایت، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود با انجام مقایسه و مطالعه‌های تطبیقی داستان‌های فارسی با دیگر زبان‌ها، غیر فارسی‌زبانان را از شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی این جوامع زبانی آگاه و راه را برای یافتن اشتراکات فرهنگی-زبانی جهت ارتباطات بیشتر بین‌المللی به‌ویژه در امر زبان‌آموزی هموارتر سازند.

Refererces

- Searle, J. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Abdollahian, H. & Bagheri, A.A. (2017). The Five-Speech Acts in the Sepehri's "Seday-e Pay-e Aab". *Half-Yearly Persian Language and Literature*, 25(82), 241-258. [in Persian].
- Alinejad, B. (2005). Cognitive basics of gender in Persian language. *Journal of Prose Studies in Persian Literature*, 7(14), 81-104. [in Persian].
- Amoozadeh, M. & Ramazanzadeh, M. (2006). Speech acts and their importance in text analysis. *Language and Literature*, 39(2), 77-96. [in Persian].
- Daneshvar, S. (1970). *Soovashoon*. Tehran: Kharazmi. [in Persian].
- Ghobadi, H.A. (2004). Analyzing Sōvashōn

اجتماعی همچنان باید مانند زنان سنتی برتری قدرت مرد، سکوت در مقابل زورگویی و اجتناب از احقاق حق مسلم خود را فقط برای حفظ آرامش خانواده بپذیرد. این امر نشان می‌دهد که زنان سنتی ایرانی در بافت شهری همچون زنان روستایی باید تابع، مطیع و فرمانبردار مردان باشد. آشنایی با این امور، بینش و شناختی جامع از زنان ایرانی به خارجیان می‌دهد و آن‌ها را از جایگاه زن در خانواده و اجتماع آگاه می‌سازد. به‌علاوه، رمان سووشون سرشار از مؤلفه‌های ایرانی-مذهبی است.

در نتیجه، با افزایش آگاهی زبان‌آموزان (فارسی‌آموزان خارجی) از مؤلفه‌های فرهنگی جامعه زبانی مقصد (جامعه فارسی‌زبان) همچون مردسالاری و جایگاه زنان، قدرت برقراری ارتباط (توانش ارتباطی) آنان در آن جامعه (ایران) نیز ارتقا می‌یابد و از بسیاری از سؤتفاهمات فرهنگی و کاربردشناختی پیشگیری می‌نماید. این بخش در حوزه «زبان‌شناسی کاربردی»^۱ قرار می‌گیرد و دانش «روان‌شناسی اجتماعی زبانی»^۲ (زبان‌شناسی اجتماعی کلان) حاصل از کنش‌های گفتاری (زبان‌شناسی اجتماعی خرد) منجر به تقویت شناخت یادگیرندگان زبان خارجی از سخنوران آن جامعه زبانی و تفاوت‌های بین زبانی، و مانع از «انتقال کاربردشناختی»^۳ (انتقال هنجارها و شیوه به‌کارگیری کنش‌های گفتاری زبان اول (زبان مادری زبان آموز) به زبان

themes from the viewpoint of Literary Schools and Social Discourses Research Areas: Research in Iranian classical literature. *Research in Persian Language and Literature Journal*, 2(3), 41-54. [in Persian].

Ghobadi, H.A., Aghagolzadeh, F. & Desp, A. (2009). An analysis of the main discourse in Sovashoon of Simin Daneshvar. *LCQ*, 2(6), 149-183. [in Persian].

Jalali, M. & Sadeghi, M. (2016). Searle's Speech Act Theory and its Connection to Gender and classes of society in Garshasbnameh. *Journal of Historical Sociology*, 8(1), 81-105. [in Persian].

Maleki, F., Jokari, M. & Ruhani, A. (2018). Social Representation of Women's

4. pragmatic failure
5. sociopragmatic failure

1. applied linguistics
2. social psychology of language
3. pragmatic transfer

- Speech Acts (Case Study: Hooshang Moradi Kermani's Novels Women's Speech Acts). *Quarterly Journal of Women and Society*, 9(1), 61-80. [in Persian].
- Mirzaeyan, P. & Bagheri, N. (2014). Studying the Investigations Done on the Works of Simin Daneshvar Regarding Women Oriented Criticism. *Fiction Studies Journal*, 3(1), 72-88. [in Persian].
- Mohseni, F. (2013). Critical Realism in Simin Daneshvar's Soovashoun. *Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 5(15), 83-104. [in Persian].
- Qanbari, B. & Daezadeh, A. (2017). Matching theory of sociology and Social literary structure in Simin Daneshvar's works. *Sociological Cultural Studies Journal*, 7(4), 91-115. [in Persian].
- Sarmashghi, F. (2006). *Sociological and feminist approach in the analysis of Simin Daneshvar's Soovashoun novel*. M.A. Thesis in Persian Language and Literature, Institute for Humanities and Cultural Studies, Iran, Tehran. [in Persian].
- Sarmashghi, F. (2008). Soovashoun and the approach of female authenticity. *Art Journal*, 79, 8-33. [in Persian].
- Searle, J. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Sedaghat, E. (2013). *Politeness in Speech of Persian Foreign Language Learners: A Case Study in Request Speech Act*. (Unpublished M.A. Thesis in Persian Language Teaching (PLT) Supervised by Dr. Zohreh Eslami Rasekh), Payam-e-Noor University, Iran, Tehran. [in Persian].
- Vahedi, V. & Seyyedrezaie, Z. (2016). Critical discourse analysis of Jalal Al-e-Ahmad and Simin Daneshvar (A case Study: gender clichés). *Journal of Literary Criticism and Stylistics Research*, 7(25), 203-223. [in Persian].